

دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری- سال ششم، شماره دوازدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، صفحه ۳۷۳-۴۰۶

تبیین ابعاد مفهوم، مصادیق و قرائن تقلب در صورتهای مالی: بر اساس روش تحلیل مضمون (تم)

محمدرضا برنا^۱ رسول برادران حسن زاده^{۲*} علیرضا فضل زاده^۳ یونس بادآور نهندی^۴
نهندی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

چکیده

تقلب از عوامل موثر در کاهش اعتماد عمومی نسبت به گزارش‌ها و صورتهای مالی تهیه شده شرکت‌ها، محسوب می‌شود. به علت فقدان چارچوب نظری کامل و خلاء قوانین موضوعه تقلب، پژوهش حاضر با هدف تبیین ابعاد مفهوم، مصادیق و قرائن تقلب در صورتهای مالی به روش تحلیل تم، منطبق با شرایط محیطی کشور، انجام شد. در این تحقیق با مصاحبه از ۲۱ نفر خبره که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده‌اند و عضو جامعه حسابداران رسمی ایران یا کارشناس رسمی دادگستری بوده و سابقه بررسی تقلب در پرونده‌های کلان شرکت‌های ایرانی را داشته‌اند این نتیجه حاصل شده است که مفهوم تقلب در صورتهای مالی دارای ابعاد قانونی (لزوم تعریف تقلب در قانون، ذکر و تعریف نمودن مصادیق تقلب در قانون)، معنوی (قصد و نیت، فریب کارانه، معمولاً "توأم با تبانی) و مادی (وارونه جلوه دادن واقعیت، داشتن مزایا و منافع برای مرتکب و ضرر و زیان رساندن به دیگری) است. همچنین یافته این تحقیق، مصداق‌های کلی تقلب در صورتهای مالی را، در پنج تم فرعی (۱- اسناد و مدارک جعلی، ۲- دستکاری در اقلام صورتهای مالی، ۳- افشاء یا عدم افشای اطلاعات با اهمیت، ۴- بکارگیری نادرست استانداردهای حسابداری و ۵- سوء استفاده از دارائیه‌ها)، بعلاوه در تم فرعی مصادیق قوانینی (برخی مصادیق اشاره شده در بعضی قوانین جاری کشور)، به همراه مجموعه مصادیق عینی برای هر تم فرعی نشان می‌دهد.

^۱ دانشجوی دکترای حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

Reza_Bornachar@yahoo.com

^۲ دانشیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

Baradaran313@iaut.ac.ir

^۳ دانشیار حسابداری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران Fazlzadeh@tabrizu.ac.ir

^۴ دانشیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران badavarnahandi@iaut.ac.ir

افزون بر این قرائن تقلب در صورتهای مالی را در تمهای قرائن غیر مالی (قرائن شکلی و ساختاری) تقلب و قرائن مالی تقلب بیان می‌دارد. قانونگذار می‌تواند از مفهوم و مصادیقهای تقلب ارائه شده در این پژوهش در تعریف و نیز تدوین قانون مقابله با تقلب برای شرکتهای ایرانی استفاده نماید.

کلید واژه ها: تقلب، مصادیق تقلب، قرائن تقلب، تحلیل تم.

۱- مقدمه

تقلب^۱ در صورتهای مالی تهدیدی جدی و مهم برای سرمایه‌گذار نسبت به اطلاعات مالی و بازارهای سرمایه است. رسوایی‌های مالی گزارش شده توسط شرکت‌های خوش سابقه (از قبیل انرون، وردکام، گلوبال، پارمالت)، همچنین رسوایی و سقوط اخلاقی در این شرکت‌ها، اطمینان سرمایه‌گذار و اعتماد عمومی را نسبت به این شرکت‌ها از نظر راهبری شرکتی، گزارش‌دهی و عملکردهای حسابرسی از بین برده است (رضایی، ۱۳۹۸). در دنیای کسب و کار امروزی کمتر شرکتی است که قربانی سوء استفاده‌های مالی نشود. تقلب مالی نه تنها زیان مالی به شرکت مربوط وارد می‌نماید؛ بلکه باعث از بین رفتن اعتبار و خدشه‌دار شدن اطمینان مشتریان به سیستم نیز می‌شود. موضوع تقلب روز به روز اهمیت فراوانی پیدا کرده و به یک مسئله پیچیده و سخت در محیط‌های صنعتی امروز تبدیل شده است (معصومی و همکاران، ۱۳۹۹). تقلب نوعی دزدی با فریب دیگران است که با روش‌های مختلف فریب‌کاری برای سرقت بردن دارایی‌های سازمان یا شخص دیگر، صورت می‌گیرد (لیودرووا و همکاران، ۲۰۲۱).

با توجه به وقوع تقلب‌های مالی اخیر در ایران و نیز دخالت، مدیران عامل، مدیران مالی و نیز حسابرسان در وقوع تقلب، به نظر می‌رسد راه بسیار دشواری برای بررسی و ارزیابی و نحوه مقابله با تقلب در ایران وجود دارد. اما مهمترین موضوع در این ارتباط بررسی قوانین و مقررات موجود در ایران از جهت پیگیری موارد تخلف و تقلب است (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶). بررسی قوانین جاری کشور نشان می‌دهد که مفهوم قانونی برای تقلب وجود ندارد و مصداق‌های آن منسجم و کامل نیست. به صورت پراکنده در برخی قوانین مانند قانون "تجارت" به معاملات صوری، ورشکستگی تاجر به تقلب، پرداخت سود موهومی؛ در قانون "بازار اوراق بهادار" به تخلفاتی مانند سوء استفاده از اطلاعات نهانی، به کارگیری اسناد و مدارک جعلی؛ در قانون "ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد" به ارائه متقلبانه اسناد یا ثبت واهی معاملات و یا در قانون "مجازات اسلامی" به مصادیقی مانند اختلاس، کلاهبرداری، خیانت در امانت و جعل مدارک که بیشتر مباحث آنها هم برای بخش عمومی کاربرد دارد، اشاره شده است. با این حال قانونی همانند قانون "ساربنز آکسلی"^۲ (مصوب ۲۰۰۲ آمریکا) که بتواند در راستای تقویت اطمینان عمومی نسبت به صورتهای مالی، با تعریف قانونی و با بر شمردن جرایم تقلب و تکالیف جدید برای شرکت‌های سهامی، ارکان راهبری آنان، وظایف بخش نظارتی و حاکم نمودن فرهنگ اخلاقی و اسلامی و ... موثر باشد؛ خلاء قوانین موضوعه احساس می‌گردد.

^۱ Fraud

^۲ Sarbanes-oxly

استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ ایران با عنوان "مسئولیت حسابررس در ارتباط با تقلب در حسابرسی صورتهای مالی" (تجدید نظر شده در سال ۱۳۹۴) که ترجمه "بیانیه استاندارد حسابرسی شماره ۳۹۹ است، در بند (۱۱)، به تعریف تقلب و عوامل خطر تقلب اشاره کرده است، با نگاهی بر این استاندارد نیز، می‌توان دریافت که شرایط به وجود آورنده تقلب و نشانه‌های تقلب بیان شده در این استاندارد (بند ۲۵ توضیحات کاربردی و پیوست شماره ۱ استاندارد)، مبتنی بر مدل مثلث تقلب (کریسی، ۱۹۷۳) می‌باشند و آنچنان منطبق با شرایط محیطی کشور ایران نیست. ابعاد مثلث تقلب کریسی بیشتر عوامل فردی موثر بر وقوع تقلب را بیان داشته و بدون توجه به سایر علل موثر مانند راهبری شرکتی، ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و محیط قانونی و اخلاقی کشورها که بر وقوع تقلب نقش دارند؛ می‌باشد (طاهری و همکاران، ۱۳۹۷؛ نمازی و حسینی نیا، ۱۳۹۸).

بررسی پژوهشهای قبلی نیز حاکی از این است که این پژوهش‌ها بیشتر در حوزه‌های، کشف تقلب (از قبیل پژوهش‌های بل و کارسلو، ۲۰۰۰؛ ازجان، ۲۰۱۹؛ فرقاندوست حقیقی و برواری، ۱۳۸۸؛ صفرزاده، ۱۳۸۹؛ اعتمادی وزلقی، ۱۳۹۲؛ خواجه‌وی و ابراهیمی، ۱۳۹۶)، شناسایی عوامل خطر تقلب (نظیر آنوپام و گانگا، ۲۰۱۷؛ ساریخانی و همکاران، ۱۳۹۷؛ پسندیده فرد و همکاران، ۱۳۹۹) و حوزه چک لیست راهنمای کشف تقلب (مانند بولو و صادقی، ۱۳۸۹؛ پور حیدری و بذرافشان، ۱۳۹۰؛ دیانتی و همکاران، ۱۴۰۰) انجام شده است با این حال موضوع این پژوهش‌ها در ایران بیشتر بر پایه علائم و موارد مشکوک به تقلب صورت گرفته است. طرح‌های تقلب شناسایی شده در پژوهش سجادی و کاظمی (۱۳۹۵) نیز، روش‌ها و محل‌های رخ داد تقلب را نشان می‌دهد. لذا تبیین مفهوم تقلب، شناسایی مصادقات‌های تقلب با شناسایی و تفکیک نمودن از قرائن تقلب (علائم احتمالی مشکوک به تقلب)، به علت فقدان "چارچوب نظری و قوانین موضوعه کامل در کشور" در حوزه تقلب، در راستای تکمیل تحقیقات این حوزه ضروری می‌باشد. از این‌رو در این پژوهش با استفاده از نظرات خبرگان، ابعاد مفهوم تقلب، مصادقات و قرائن تقلب در صورتهای مالی در محیط کشور ایران مورد بررسی قرار گرفت.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

■ تعریف تقلب

تعریف هر شیء یا اصطلاحی، اساس شناسایی و معیار تمیز آن از سایر اشیا و اصطلاحات محسوب می‌شود. هر علم قبل از هر چیز، بر آن است که تصویری روشن و مشخص و تا سرحد

³ AICPA statement on Auditing Standards (SAS) No. 99

امکان تعریفی جامع از موضوع‌های مربوط به دست دهد و گرد ابهام را از آنها بزداید (خوانساری، ۱۳۷۵). در حرفه حسابداری و حسابرسی برای پدیده تقلب تاکنون تعاریف مختلفی ارائه شده است که به برخی از این تعاریف در ادامه اشاره می‌شود:

تقلب در صورت‌های مالی در استاندارد ۲۴۰ حسابرسی ایران (تجدید نظر شده ۱۳۹۴) اعم از گزارشگری مالی متقلبانه یا سوء استفاده از داراییها است (بند ۲ و ت-۱ توضیحات کاربردی). این استاندارد واژه تقلب را به شکل زیر تعریف می‌نماید: «تقلب عبارت است از هر گونه اقدام عمدی توسط یک یا چند نفر از مدیران اجرایی، ارکان راهبری کارکنان یا اشخاص ثالث، که متضمن فریبکاری برای برخورداری از یک مزیتی ناروا یا غیر قانونی است».

تقلب در استاندارد ۲۰۰۸-۸۰۰۱ استرالیا (کنترل فساد و تقلب)، فعالیت غیر صادقانه‌ای است که منجر به زیان مالی بالقوه یا واقعی به هر شخص یا شرکت شود مانند سرقت مبالغ پول یا اموال یا آن که کارمندان، اشخاص برون سازمانی یا هر دو، با انجام فعالیت‌های متقلبانه، منافع خود را تامین نمایند. در قانون تقلب بریتانیا مصوب سال ۲۰۰۶ فعل تقلب در سه بخش قرار داده شد است: الف) ارائه نادرست ب) قصور در افشا ج) سوء استفاده از فرصت بوجود آمده (حسینی و همکاران، ۱۳۹۶). در تعریف بین‌المللی تقلب، پارلمان اروپایی، تقلب را «استفاده از مدارک کذب، عدم افشای اطلاعات و کاربرد نادرست وجوه یا مزایای بدست آمده قانونی و بزهی مجرمانه» تعریف می‌کند (روبائی و محمدی، ۱۳۹۴).

انجمن حسابداران رسمی آمریکا^۴ تقلب را یک مفهوم گسترده حقوقی می‌داند که به صورت غیر قانونی و عمدی صورت می‌گیرد. برای اینکه عملی تقلب در نظر گرفته شود، مرتکب شونده باید از عمل خیانت آگاهی و قصد فردی داشته باشد و گروه قربانی باید از زیان‌های به وجود آمده رنج ببرد یا دچار آسیب شوند (راس، ۲۰۱۰). از نظر سینگلتن و همکاران (۲۰۰۶)، تقلب اصطلاح عمومی است و شامل تمام راه‌های گوناگونی می‌شود که شامل ابتکارات و مهارت‌های انسانی است که به وسیله افرادی برای کسب منفعت از چیزی با غلط نشان دادن آن انجام می‌شود (نمازی و حسینی نیا، ۱۳۹۸). تقلب در صورتهای مالی طبق تعریف رضایی و ریلی (۲۰۰۹) بدین شرح است: اظهار غلط و یا حذف مقادیر یا افشای لازم در صورتهای مالی به منظور فریب دادن استفاده‌کنندگان صورتهای مالی (رهنمای رودپشتی، ۱۳۹۱).

مطابق تعریف انجمن بازرسان رسمی تقلب در آمریکا^۵، «تقلب، به اقدام عمدی یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث اطلاق می‌گردد که به ارائه نادرست صورتهای مالی منجر می‌گردد. این انجمن سه نوع تقلب را به شرح زیر تعریف کرده است:

^۴ American Institute of Certified Public Accountants (AICPA)

^۵ Association of Certified Fraud Examiners (ACFE)

- سوء استفاده از دارایی‌ها: شامل سوء استفاده از دارایی‌ها و دیگر متعلقات واحد تجاری که این نوع تقلب بدلیل قابلیت لمس آن، آسان‌تر از بقیه کشف می‌شود.
 - صورتهای مالی متقلبانه: اقدامات هیات مدیره یا نهادهای دولتی جهت سرپوش گذاشتن به وضعیت مالی واقعی بوسیله دستکاری در ارائه صورتهای مالی است.
 - فساد: شامل سوء استفاده از قدرت و اختیارات مانند رشوه، اخاذی، پذیرفتن حرام و ... می‌باشد. خاطر نشان شده این نوع از تقلب بدلیل اینکه قسمتهای مختلف سازمان از منفعت آن سهم می‌برند نمی‌تواند کشف شود و یا به سختی قابل کشف می‌باشد.
- (بیلیستی‌اوتی و همکاران، ۲۰۱۹ به نقل از دیانتی و همکاران، ۱۴۰۰).

■ تعریف مصداق

آنچه که در بخش قبل مبانی نظری بیان شد تعریف‌های مختلفی از واژه تقلب بود. ارزش تعریف‌های مختلفی که درباره چیزی گفته می‌شود، یکسان نیست و هر قدر تعریف، بیشتر شامل ذاتیات معرف باشد، به همان نسبت کامل‌تر و برای افاده مقصود وافی‌تر است (خوانساری، ۱۳۷۵). مفهوم عبارتست از مجموعه اموری که در تصور مندرج است گاه تصور را از لحاظ محتویات آن یعنی معانی که در آن مندرج است در نظر می‌آوریم و گاه از لحاظ شمول و وسعت صدق آن؛ و مصداق عبارتست از هر چیزی که آن مفهوم بر آن حمل می‌شود (مانند مفهوم انسان که مثلاً "حسن و حسین و پرویز مصادیق انسانند) (خوانساری، ۱۳۷۵). تعریفی که مصادیق آن محتمل باشد تعریف [صحیحی] محسوب نمی‌شود (عالی‌پور، ۱۳۸۹).

تعریف، اقسام مختلفی دارد و ذکر مصداق (نمونه) یکی از «اقسام سه گانه تعریف» است. اقسام سه گانه تعریف عبارتند از تعریف لغوی، ذکر مصداق و تعریف مفهومی (انواری، ۱۴۰۰). از آنجا که هدف از تعریف کردن، شناساندن مفاهیم و تصورات مجهول برای مخاطب است، در بیشتر موارد ارائه ترکیبی از اقسام تعریف به معرفی بهتر آن مفهوم کمک می‌کند (انواری، ۱۴۰۰). با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان گفت تعریف‌هایی که برای واژه تقلب ارائه شده‌اند، نشان می‌دهند تعریف جامعی از تقلب در صورتهای مالی وجود ندارد. از این رو این پژوهش در تبیین مفهوم تقلب در صورتهای مالی بوده و در این راستا به شناسایی مصادیق تقلب از طریق مصاحبه با خبرگان برآمده و به دنبال تفکیک این مصادیق از قرائن تقلب در صورتهای مالی است. در ادامه به توضیح قرائن تقلب پرداخته می‌شود.

■ تعریف قرائن تقلب

«قرائن» جمع قرینه است و مترادف آن شواهد و ظواهر است و در لغت نامه دهخدا نیز آنچه برای انسان حاصل میشود از آثار و علامات تا قطع کند بر صحت حقانیت مطلبی (موضوعی) یا بر

سقم و بطلان آن. در کتب لغت برای این واژه معانی متعددی ذکر شده است؛ مانند: علامت‌ها، نشانه‌ها، آنچه که دلیل فهم مطلبی یا پیدا کردن مجهولی یا رسیدن به مقصدی باشد، مناسبت ظاهری میان دو چیز، امری که بر چیزی دلالت کند بدون آنکه در آن چیز استعمال گردد. در اینجا قرائن تقلب همان علائم احتمالی (مشکوک به) تقلب (پرچم‌های قرمز) می‌باشند یا همان عوامل خطر تقلب هستند. در استاندارد حسابرسی ۲۴۰ ایران عوامل خطر تقلب به همراه واژه تقلب در بند ۱۱ (مربوط به تعاریف) به شرح زیر تعریف شده است:

عوامل خطر تقلب-رویداد یا شرایطی که نشان دهنده انگیزه یا فشار برای ارتکاب تقلب یا فراهم کننده فرصت ارتکاب تقلب باشد.

در پیوست ۱ و ۳ استاندارد حسابرسی ۲۴۰ ایران نیز به نمونه‌هایی از عوامل خطر تقلب و نمونه‌هایی از شرایط نشان دهنده احتمال وجود تقلب اشاره شده است. مطابق توضیحات مقدمه پیوست ۱ استاندارد، اگر چه نمونه‌هایی از عوامل خطر تقلب در این پیوست وضعیت‌های گوناگونی را پوشش می‌دهند اما تمام این نمونه‌ها، ممکن است در همه شرایط مربوط محسوب نشوند و در واحدهای تجاری با اندازه متفاوت یا با شرایط و ویژگی‌های مالکیتی متفاوت اهمیت کمتر یا بیشتری داشته باشند. نمونه‌های پیوست ۳ استاندارد هم برخی نمونه‌هایی از شرایطی هستند که وجود آن شرایط، نشان دهنده تقلب احتمالی می‌باشند به این علت، پژوهش‌های متعددی نیز برای شناسایی علائم احتمالی مشکوک به تقلب و همچنین رتبه بندی اهمیت عوامل خطر تقلب صورت گرفته است نظیر علائم احتمالی که در پژوهش پسندیده فرد و همکاران (۱۳۹۹) مطرح شده، نشان دهنده احتمال تقلب می‌باشند. در پژوهش آنها برخی از این علائم عبارتند از استفاده از برآورد و تخمین در محاسبه، ضعف نظارت خارج از سازمان، کیفیت حسابرسی، وابستگی مالی صاحبکار، انگیزه‌ها و وابستگی‌های مذهبی و سیاسی، انگیزه‌های روحی و رونی، امنیت شرکت و بازار سرمایه؛ یا علائمی که در پژوهش ازجان (۲۰۱۹) مانند نسبت جاری، خالص سرمایه در گردش، بازده داراییها، بازده حقوق صاحبان سهام به عنوان علائم احتمالی تقلب مطرح شده است. در ادامه به بررسی پیشینه پژوهش‌هایی که در ارتباط با مصادیق و قرائن احتمالی تقلب است پرداخته می‌شود.

■ پیشینه پژوهش‌های خارجی

بررسی‌ها نشان می‌دهد اولین پژوهش انجام شده که می‌تواند در ارتباط با موضوع این پژوهش باشد، مربوط به پژوهش بل و کارسلو (۲۰۰۰) است. آنان در پژوهش خود عوامل ریسک تقلب را مورد آزمون قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان داد سیستم کنترل داخلی ضعیف، [رفتار ناشایست مدیریت] مانند تاکید بی جهت مدیریت بر دستیابی سود پیش بینی شده، دروغ گویی مدیریت به حسابرس و رفتار پر خاشگرانه مدیریت و وجود مشکلات قابل ملاحظه در حسابرسی

معاملات، عوامل ریسک تقلب محسوب می‌شوند. سایر پژوهش‌هایی که می‌تواند در ارتباط با موضوع پژوهش باشد به شرح زیر ارائه می‌شود:

لین و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهشی به "طبقه بندی و رتبه بندی عوامل تقلب" پرداختند در این پژوهش ۳۲ عامل تقلب مطابق نظر متخصصان برای کشف تقلب مناسب شناخته شد و در قالب مدل مفهومی ارائه شدند. علاوه بر این آنها در ادامه پژوهش خود، پنج عامل مهم تقلب را مطرح نمودند که به ترتیب عبارتند از: عملکرد ضعیف، نیاز به تامین مالی خارجی، بحران‌های مالی، نظارت ضعیف هیات مدیره و رقابت بازار (لین و همکاران، ۲۰۱۵).

زین الدین و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان "کشف گزارشگری مالی متقلبان با استفاده از نسبت‌های مالی" به تجزیه و تحلیل برخی نسبت‌های مالی پرداختند نتایج پژوهش آنها نشان داد که نسبت‌های اهرم مالی، ترکیب دارایی‌ها، سودآوری و گردش سرمایه از عوامل موثر در کشف گزارشگری مالی متقلبان محسوب می‌شوند.

بنی‌احمد (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان "نقش تعدیل کننده کنترل‌های داخلی بر ارتباط بین سیستم اطلاعات حسابداری و کشف تقلب: مطالعه موردی بانک‌های جوردن" پرداخت. نتایج نشان داد بین سیستم اطلاعات حسابداری و کشف تقلب به طور قابل توجه ارتباط وجود دارد.

اروین و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان عوامل تعیین کننده تقلب در صورت‌های مالی: بر اساس نظریه الماس تقلب (مطالعه تجربی در مورد شرکت‌های تولیدی بورس) در کشور اندونزی پرداختند. نتایج نشان داد عامل فشار با متغیرهای با اهداف مالی و ثبات مالی و عامل فرصت با متغیر ماهیت صنعت در تشخیص صورت‌های مالی متقلبان تاثیر گذار هستند.

سابائو و همکاران (۲۰۲۱) در تحقیقی با عنوان "مدل آماری ریسک تقلب در صورتهای مالی برای شرکت‌های رومانی" با هدف شناسایی تاثیر گذارترین متغیرهای بنی در تشخیص شرکت‌های متقلب انجام دادند نتایج پژوهش نشان داد که شاخص‌های حاشیه سود ناخالص، کیفیت دارائیه‌ها، استهلاک و مجموع اقلام تعهدی به دارائیه‌ها، دارای تاثیر قابل توجهی بر امتیاز نهایی بنی در شناسایی شرکت‌های متقلب را دارند.

■ پیشینه پژوهش های داخلی

در بین تحقیقات داخلی اولین تحقیق مرتبط با تحقیق حاضر مربوط به نیکبخت و شیخ (۱۳۸۳) است که به بررسی اهمیت شاخص‌های تقلب بالقوه مالی پرداختند. آنان علائم هشدار دهنده به تعداد ۴۲ عامل را بر اساس ادبیات حسابرسي، استانداردهای پذیرفته شده حسابرسي و پژوهش‌های انجام شده قبلی به صورت پرسشنامه تهیه و در اختیار دو گروه مدیران مالی و اعضای جامعه حسابدان رسمی قرار دادند نتایج پژوهش نشان داد که همه ۴۲ عامل توسط هر دو گروه

شناسایی شدند و این علائم به ترتیب در ۵ عامل ریسک پذیری و خطر پذیری، ویژگی‌های مدیریت، ویژگی‌های اقتصادی، بی‌ثباتی، ناتوانی و ناکافی بودن سودآوری، ویژگی‌های ساختاری اشباع شده‌اند.

صفرزاده (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان "توانایی نسبت‌های مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی: تحلیل لاجیت" پرداختند نتایج تحقیق نشان داد که ده نسبت مالی توان پیش‌بینی‌کننده بالقوه گزارشگری متقلبانه در تمایز شرکت‌های متقلب و غیر متقلب است.

مرادی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی به "شناسایی عوامل خطر موثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری مالی از دید حساب‌برسان و بررسی تاثیر آن‌ها بر عملکرد مالی شرکت" پرداختند نتایج یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بین ویژگی‌های مدیریت، تبعیت مدیریت از کنترل‌های داخلی و استانداردهای لازم الاجرا، عوامل خطر مرتبط با شرایط بازار و صنعت، ویژگی‌های عملیاتی، نقدینگی و ثبات مالی با احتمال وقوع تقلب رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج حاکی از وجود رابطه معنادار بین عملکرد شرکت (متغیرهای نرخ بازده دارایی‌ها، جریان‌های نقدی عملیاتی، بازده سهام و بازده شرکت) با ریسک تقلب است.

سجادی و کاظمی (۱۳۹۵) در تحقیقی نسبت به "ارائه الگوی جامع گزارشگری مالی متقلبانه در ایران به روش نظریه پردازی زمینه بنیان" پرداختند در این تحقیق ۲۵ طرح تقلب در صورتهای مالی شناسایی شده است که برخی از آنها عبارتند از درآمد ساختگی، تحریف حسابهای دریافتی موجودی کالا و دارایی ثابت، طبقه‌بندی نادرست اقلام صورت‌های مالی و دستکاری نسبت‌های مالی، عدم افشای بدهی و هزینه و بدهی حتمالی، معاملات با اشخاص وابسته و تنظیم قراردادهای صوری.

طاهری و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی به بررسی "اهمیت ابعاد و نشانه‌های تقلب در تعدیل برنامه حسابرسی با استفاده از مدل پنتاگون تقلب" پرداختند این مدل شامل پنج بعد تقلب: فشار/ انگیزه، فرصت، توجیه‌سازی، توانایی و غرور می‌باشد. برای انجام پژوهش با نظر خبرگان برای هریک از پنج بعد تقلب مدل پنتاگون، چهار نشانه تقلب انتخاب گردید. نتایج نشان می‌دهد که بعد فرصت و نشانه‌های تقلب وابسته بودن بخش عمده‌ای از میزان حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد واحد مورد رسیدگی، سیستم‌های اطلاعاتی، حسابداری و کنترل‌های داخلی غیر کارآمد، ایجاد محدودیت در کار حساب‌برسان، میزان تجربه و اطمینان بیش از حد، بیشترین اهمیت را در تعدیل برنامه حسابرسی دارند.

سیاسی و تشدید (۱۳۹۷) در تحقیقی به "ارائه الگوی پیشگیری و کنترل تقلب در ایران به روش نظریه پردازی زمینه بنیان" پرداختند، بر اساس نتایج این پژوهش عوامل فرهنگ اخلاق سازمانی و سیستم کنترلی اثر بخش، شروط علی و اثر گذار بر روشهای کنترلی شناخته شدند.

همچنین فرهنگ عمومی، شرایط اقتصادی کشور، اعتقادات مذهبی و نظام قانونی جزء شرایط زمینه‌ای و عوامل حاکمیت شرکتی و حسابرسان مستقل جزء شرایط مداخله‌گر قرار گرفتند.

معصومی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان: شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر کشف تقلب صورتهای مالی با استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، پرداختند در این پژوهش، برگرفته از مدل لین و همکاران، ۳۲ عامل مؤثر بر کشف تقلب به همراه ابعاد مثلث تقلب مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس نتایج پژوهش آنها، بعد فشار اولین، فرصت دومین و توجیه به عنوان سومین اولویت مؤثر بر کشف تقلب رتبه‌بندی شده‌اند. و در زیر معیارهای اصلی شناسایی شده بعد فشار، احتمال بالای ورشکستگی به عنوان اولین عامل، و اظهار نظر در رابطه با تداوم فعالیت اساسی و حداقل دو سال متوالی جریان نقد منفی عملیات به ترتیب اولویتهای دوم و سوم مؤثر بر تقلب، در صورتهای مالی رتبه‌بندی گردید. در بین بعد فرصت، درصد خرید از اشخاص وابسته، دارای اولویت اول، فروش‌های خارجی اولویت دوم، شرکت‌های خانوادگی اولویت سوم را به خود اختصاص داده است. در نهایت از بعد توجیه، دستکاری سود دارای اولویت اول و تغییرات در مدیر عامل دارای اولویت دوم رتبه‌بندی گردید.

دیانتی و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان "الگوی شناسایی اسناد و مدارک فیزیکی مشکوک به تقلب بر اساس مشخصات ظاهریشان" پرداختند. در این پژوهش تعداد ۹۸ خصوصیت اسناد و مدارک مشکوک به تقلب شناسایی و در قالب سه مقوله با نام‌های ۱- اسناد و مدارک تقریباً بی نقص اما ناسازگار نسبت به سایر اسناد و مدارک مشابه در همان محدوده تاریخی، ۲- اسناد و مدارک ناقص، مخدوش و مبهم، ۳- اسناد و مدارک متناقض با سایر اطلاعات دسته‌بندی نمودند.

درک کامل از ماهیت، اهمیت و پیامدهای فعالیت مرتبط با گزارشگری مالی متقلبان و سوء استفاده از داراییها مستلزم تعریف مناسبی از تقلب در صورتهای مالی است. بررسی مبانی نظری پژوهش نشان می‌دهد که حرفه حسابداری، در دو دهه اخیر واژه تقلب را بیشتر، مورد توجه قرار داده است با این حال هنوز تعریفی که همه ابعاد مفهوم تقلب را در برگیرد تاکنون اقدام جامعی صورت نگرفته است.

پیشینه پژوهش‌های مرتبط نیز نشان می‌دهد پژوهشی که بتواند مفهوم تقلب را به روش این پژوهش تبیین نماید در ایران و سایر کشورها تاکنون انجام نشده است، لذا پژوهش حاضر از این حیث دارای نوآوری است. شناسایی و تفکیک مصادیق و قرائن تقلب در راستای تکمیل پژوهش‌های قبلی حوزه تقلب محسوب می‌شود. از این رو در راستای رسیدن به اهداف این پژوهش، سوال‌های مربوط به شرح زیر طرح شده است.

۳- سوال‌های پژوهش

مفهوم تقلب در صورت‌های مالی متقbane شرکت‌های ایرانی، چگونه می باشد؟
مصادیق تقلب در صورت‌های مالی متقbane شرکت‌های ایرانی، شامل چه مصداق‌هایی می‌باشند؟
قرائن (علائم احتمالی مشکوک به) تقلب در صورت‌های مالی متقbane شرکت‌های ایرانی، کدام
علائم می باشند؟

۴- روش شناسی پژوهش

هدف این پژوهش، تبیین ابعاد مفهوم تقلب، شناسایی و تفکیک مصادیق از قرائن (علائم مشکوک به) تقلب، به روش تحلیل محتوا از نوع مضمون (تم)^۶ است. تحلیل مضمون از نوع تحلیل محتوای کیفی محسوب می شود و با تحلیل محتوا از نوع کمی در روش کار و منطق تحلیل تفاوت دارد. در تحلیل محتوای کمی محقق به دنبال این موضوع است که چه کلمات، مضامین و نمادهایی بیش از همه و به چه تعداد تکرار می شود. در حالیکه در تحلیل محتوای کیفی (تحلیل مضمون) محقق، اصالت و حقیقت داده ها را به گونه ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر می کند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). در تحلیل محتوای کمی برای نمونه گیری، به داده هایی نیاز است که با استفاده از قواعد نمونه‌گیری تصادفی، که اعتبار استنتاج‌های آماری را تضمین می کنند، انتخاب می شوند؛ درحالی‌که نمونه، در تحلیل محتوای کیفی معمولاً^۷ در بر دارنده انتخاب هدفمند مواردی است که بازتابنده پرسش‌های پژوهش‌اند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). داده‌های روش تحلیل تم می تواند متن یا مصاحبه‌ها باشند. یک تم در بردارنده چیزی با اهمیت درباره داده‌ها در ارتباط با پرسش پژوهش است. برای تعیین اینکه چه چیزی در یک پژوهش، تم به حساب می‌آید، داوری پژوهشگر ضروری است. کلیدی بودن یک تم الزاماً وابسته به ملاک‌های کمی (مثل تعداد دفعات تکرار) نیست. مدل تحلیل تم را می توان یک روش اساسی دانست که رویکردی مناسب و انعطاف‌پذیر برای تحلیل داده‌های کیفی است (براون و کلارک، ۲۰۰۶). در روش تحلیل تم، پژوهشگر آزادی عمل بسیاری دارد و لزومی به مراجعه یا ارجاع به مبانی نظری ندارد و می تواند در پی کشف الگوی خود باشد (قاسمی و هاشمی، ۱۳۹۸).

جامعه آماری این پژوهش را، اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها، حسابداران رسمی عضو جامعه حسابداران رسمی ایران و کارشناسان رسمی دادگستری تشکیل می‌دهند. داده‌های پژوهش با روش مصاحبه در طول سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ جمع‌آوری شده است. نمونه آماری با روش هدفمند به منظور انتخاب مصاحبه شونده‌گانی صورت‌گرفت که علاوه بر سوابق علمی و پژوهشی در حوزه تقلب، دارای سوابق حسابرسی و رسیدگی از نوع کارشناسی دادگاهی یا نهادهای نظارتی،

⁶ Theme

نسبت به پرونده‌های مختلف تقلب در شرکت‌های ایرانی (تحت سمت کارشناس رسمی دادگستری یا خبره مورد وثوق دادگاه یا نهادهای نظارتی و امنیتی) می‌باشند. بدین منظور صاحب‌نظران بنام این حرفه با شناسایی هدفمند مورد مصاحبه واقع شدند (ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان در جدول شماره ۱ درج شده است). طریقه مصاحبه پژوهش به صورت "مصاحبه نیمه ساختار یافته" و در دو مرحله انجام گرفت. در مرحله اول مصاحبه‌های اکتشافی از ۴ نفر خبره صورت گرفت، که دارای سوابق علمی و سنوات تجربی زیادی راجع به حوزه تقلب داشتند. در مرحله بعدی مصاحبه‌های اصلی آغاز و با ۱۷ نفر صاحب‌نظران حوزه حسابداری دادگاهی به شیوه نیمه ساختار یافته انجام شد. مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که پژوهشگران به شناخت مضمون‌های مناسبی در پاسخ به سوالات مصاحبه دست یافتند. به عبارتی، با عنایت به اینکه پژوهشگران در مصاحبه‌های آخر، با مضمونهای تکراری مواجه می‌شدند؛ به این اطمینان رسیدند که ادامه مصاحبه‌ها منجر به افزودن مضمون جدیدی نخواهد شد لذا به تعداد ۱۷ مورد در مرحله دوم اکتفا نمودند.

تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش به پیروی از روش تحلیل تم پژوهش‌های قاسمی و هاشمی (۱۳۹۸)، عابدی و همکاران (۱۳۹۰) و کرمی و جباری (۱۳۹۶) صورت گرفته است. برای تحلیل داده‌ها، نوشته‌ها و متن‌های مصاحبه چندین بار مرور شده، و گفته‌های اساسی و کلیدی بنابر قضاوت پژوهشگران تعیین و نوشته و گفته‌های نامربوط حذف شدند. سپس به هر یک از گفته‌های اساسی و کلیدی یک کد چهار رقمی (دو رقم اول شماره مصاحبه و دو رقم بعدی شماره گفته) تخصیص داده شد. مصاحبه‌های اکتشافی به اختصار دو حرف اول انگلیسی (Interview Exploratory EI) و مصاحبه‌های اصلی به اختصار دو حرف اول (Main Interview MI) نشان‌گذاری شده‌اند. گفته‌ها یا جملات اساسی، همان دسته‌های مفهومی یا تم‌های جزئی هستند که به علت مشابه بودن معنایی و محتوایی در کنار همدیگر قرار گرفته و تم‌های فرعی را تشکیل داده‌اند در ادامه تم‌های فرعی به همین منوال تم‌های اصلی را شکل داده‌اند. لازم به ذکر است کلیه مصاحبه‌شوندگان، حسابدار رسمی، کارشناسان رسمی دادگستری یا خبرگان مورد وثوق دادگاه‌ها و مراجع نظارتی (۱۸ نفر کارشناس و ۳ نفر خبره مورد وثوق)، و با جنسیت مرد هستند. کدهای (EI01,02,04) بالای، ۴۰ سال سابقه و ۷۰ سال سن؛ و مابقی بالای، ۲۵ سال سابقه کار و ۴۵ سال سن می‌باشند.

جدول (۱): ویژگی های مصاحبه شوندگان

کد مصاحبه کننده	عضویت در نهادهای خارجی	عضویت در نهادهای داخلی	سمت حرفه ای (موسسه/سازمان حساب رسی)	هیأت علمی /مدرس دانشگاه	کار پژوهشی مرتبط با پژوهش حاضر
EI01	-	انجمن حسابداران خبره ایران، حسابرسان داخلی و...	شریک	هیأت علمی- دکتری/استاد بازنشسته	چندین مقاله و کتاب و ترجمه در حوزه تقلب
EI02	انجمن بازرسان رسمی، انجمن آمریکا، انجمن حسابرسان داخلی آمریکا، انجمن حسابداران خبره آمریکا	شورای عالی انجمن حسابداران خبره ایران-عضو پیشین عالی جامعه حسابداران رسمی ایران	شریک	مدرس دانشگاه/ فوق لیسانس	چندین مقاله و کتاب و ترجمه در حوزه تقلب
EI03	انجمن بازرسان رسمی، انجمن آمریکا، انجمن حسابرسان داخلی آمریکا، انجمن حسابداران اتحادیه اروپا	انجمن حسابرسان داخلی ایران- انجمن حسابداران خبره ایران- گروه کارشناسان حامی حسابرسی ویژه/مفاسداقتصادی	شریک	مدرس دانشگاه- دکتری/مدعو	چندین مقاله و کتاب و ترجمه در حوزه تقلب
MI04	انجمن حسابداری مدیریت آمریکا	عضو شورای عالی جامعه حسابداران رسمی ایران-انجمن حسابرسی ایران-انجمن حسابداران خبره ایران-انجمن حسابداری ایران انجمن مدیریت	شریک	هیأت علمی دانشگاه-استاد بازنشسته	چندین مقاله و کتاب و ترجمه در حوزه تقلب
MI05MI06MI07MI09MI13MI15	-	انجمن حسابداران خبره ایران، حسابرسان داخلی	شریک	هیأت علمی- دکتری/دانشیار	دارای تحقیقات مرتبط با تقلب
MI01MI10	-	انجمن حسابداران خبره ایران، حسابرسان داخلی	شریک	مدرس دانشگاه- دکتری	-
MI02MI03MI04MI08MI11MI12MI14MI16MI17	-	انجمن حسابداران خبره ایران، حسابرسان داخلی	مدیر/ حسابرس ارشد	مدرس دانشگاه/فوق لیسانس	-

۵- یافته های پژوهش:

نتایج حاصل از تحلیل تم، به شناسایی تم های اصلی ابعاد مفهوم، مصادیق و قرائن تقلب در صورتهای مالی همراه با تم های فرعی و جزئی گردید. این نتایج در شکل (۱) و جدول (۲) و (۳) ارائه شده است. توضیح همه تم های فرعی و جزئی به علت گستردگی آنها ممکن نبوده؛ از این رو گزیده ای از تم ها با کدهای مربوط حاصل از مصاحبه های صورت گرفته با خبرگان در خصوص هر سوال پژوهش به صورت جداگانه در ادامه شرح داده می شود.

یافته‌های مربوط به سوال اول پژوهش:

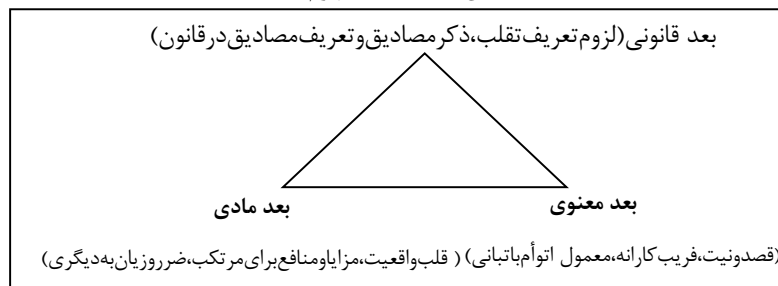
به علت نبود تعریف قانونی برای واژه تقلب در قوانین و مقررات جاری کشور، مفهوم تقلب اولین موضوعی بود که به عنوان سوال اصلی از خبرگان پرسیده شد. نظرات آنان به اتفاق دارای ویژگی‌هایی برای مفهوم تقلب است. این ویژگی‌ها می‌توانند تکمیل کننده تعریفی باشند که در استاندارد حسابرسی شماره «۲۴۰» ایران برای تقلب، ارائه شده است. نتایج نظرخواهی، بر اساس تحلیل تم منجر به شناسایی تم‌های جزئی ذیل در خصوص مفهوم تقلب در صورتهای مالی گردید:

- «لزوم تعریف تقلب در قانون»، «ذکر مصادیق تقلب در قانون» و «تعریف مصادیق تقلب در قانون»،
- «قصد و نیت»، «فریب کارانه» و «معمولا» توأم با تبانی»
- «وارونه جلوه دادن واقعیت»، «داشتن مزایا و منافع برای مرتکب (متقلب/متقلبین)» و «وارد شدن ضرر و زیان به دیگری/دیگران».

در این راستا تم‌های جزئی شناسایی شده که با همدیگر مشابهت مفهومی داشتند و می‌توانستند تحت یک مفهوم معنادار قرار گیرند در کنار همدیگر قرار گرفته و مفهوم معناداری برای آنها در نظر گرفته شد. در نتیجه:

- ۱- تم‌های جزئی «لزوم تعریف تقلب در قانون»، «ذکر مصادیق تقلب در قانون» و تعریف نمودن این مصادیق در قانون («تعریف مصادیق تقلب در قانون»)، در زیر مجموعه تم فرعی «بعد قانونی»
- ۲- تم‌های جزئی «قصد و نیت»، «فریب کارانه» و «معمولا» توأم با تبانی» تحت عنوان تم فرعی «بعد معنوی» و
- ۳- تم‌های جزئی «قلب (وارونه جلوه دادن) واقعیت»، «داشتن مزایا و منافع برای مرتکب (متقلب/متقلبین)» و «وارد شدن ضرر و زیان به دیگری/دیگران»، تحت عنوان تم فرعی «بعد مادی»، و نهایتاً مجموع تم‌های مزبور به عنوان تم اصلی تحت عنوان «ابعاد مفهوم تقلب» شناسایی شدند. شکل (۱) زیر ابعاد مفهوم تقلب را نشان می‌دهد.

شکل (۱) - ابعاد مفهوم تقلب



در ادامه به نحوه شناسایی تم‌های ابعاد مفهوم تقلب بر اساس نمونه‌ای از برخی پاسخ‌های خبرگان به مشروح بندهای (الف)، (ب) و (پ) ذیل، پرداخته شده است:

الف- تم فرعی بعد قانونی مفهوم تقلب

این تم از تم‌های جزئی لزوم تعریف واژه تقلب در قانون/مقررات، ذکر مصادیق تقلب و تعریف نمودن مصادیق تقلب در قانون/مقررات، تشکیل شده که نحوه استخراج تم‌های مذکور به شرح ذیل بوده است:

اظهارات خبرگان حاکی از این است که تقلب باید توسط قانونگذار تعریف شود و در صورت وجود تعریف قانونی به راحتی می‌توان شخص مرتکب را در مراجع قضایی تحت پیگرد قانونی قرار داد. نقل قول‌های برخی از خبرگان در پاسخ به سوال کلی: مفهوم تقلب در گزارشگری مالی متقbane شرکت‌های ایرانی را، با توجه شرایط حاکم بر محیط جامعه ایران مشروحاً " بیان فرمائید؟ و به همراه سوالات جانبی مانند: واژه تقلب چگونه تعریف شود؟ چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا بتوان از بروز تقلب در شرکت‌های ایرانی جلوگیری نمود؟ در ذیل ارائه شده‌اند (اعداد داخل پرانتز کدهای مصاحبه هر مصاحبه شونده است):

"در بورس برخی از گزارشات ارائه شده (صورت‌های مالی شرکت‌ها) تحریف شده هستند و سهامداران زیادی از این بابت متضرر می‌شوند اما دادگاه نمی‌تواند به راحتی مجرمانه بودن این تحریف‌ها را اثبات نماید چون بیشتر این تحریف‌ها برای دادگاه ناملموس است" (MI1105).

"به نظرتان با کشف تقلب حسابداری آیا دادگاه مرتکب را محکوم می‌نماید؟... و هر ضرر دیده‌ای می‌تواند به راحتی پیگیر ضررش باشد" (MI1203).

"هم قاضی باید از تقلب سر در بیاورد و هم کارشناس، تا مطابق آن و با مصادیق آن مانند ارائه نادرست صورت‌های مالی، جعل و ساختگی مدارک و...، توسط کارشناسان برای دادگاه، قابل اعلام باشد. برای مثال کارشناس باید بتواند کتمان درآمد موضوع

قانون مالیات‌های مستقیم) یا تقسیم سود موهومی را به [زبان] دادگاه برای مقام قضایی با ذکر قانون آن مشخص نماید تا دادگاه ترتیب اثر دهد " (MI1604).
 "البته صرفاً" به علت عدم رعایت استانداردها دادگاه حکم صادر نمی‌کند، [چون]
 استانداردها اصلاً ضمانت اجرایی ندارند. در مجموع حتماً بخشی از عدم رعایت
 استانداردها را می‌شود تقلب دانست" (MI0701).

با تحلیل پاسخ‌های خبرگان، تم‌های، لزوم تعریف برای واژه تقلب، و ذکر و تعریف مصداق‌های تقلب در قانون، استخراج و این تم‌ها (جزئی‌ها)، تحت تم فرعی قانونی بیان گردید. به طور نمونه از عبارت «دادگاه مجرمانه بودن تحریف را نمی‌تواند اثبات کند چون ناملوس است»، یا از عبارت «به علت عدم رعایت استانداردها دادگاه حکم صادر نمی‌کند» چنین بر می‌آید که واژه «تحریف» برای دادگاه به عنوان جرم تعیین نشده است. «تحریف» باید برای دادگاه به عنوان مصداق کلی، تعریف، و با مصداق جزئی (مانند «تقسیم سود موهومی» اشاره شده در نقل قول سوم فوق) مشخص شده باشد (بر اساس مفاد ماده ۲ قانون مجازات اسلامی هر جرمی باید در قانون تعیین شده باشد)؛ و یا از عبارت بعدی که «انحراف از استاندارد برای دادگاه مصداق تقلب نیست»، لذا، تعریف مصداق تقلب و ذکر مصداق تقلب به عنوان تم‌های جزئی (ویژگی‌های مفهوم تقلب) استخراج شده‌اند.

مضافاً از این چنین نقل قول‌های توضیح داده شده در فوق و از برخی نقل قول‌های واضح مانند «هم قاضی باید از تقلب سردر بیارد هم کارشناس»، الزام تعریف واژه تقلب در قانون -یا مقرراتی که برای دادگاه قابل رجوع باشد- به عنوان تم جزئی استخراج شد.
 در نهایت از این نقل قول‌ها نتیجه گرفته شد که فعل یا ترک فعلی را وقتی می‌توان تقلب قلمداد نمود که در مرحله اول، واژه عمومی تقلب در قانون/مقررات تعریف شده باشد و در مرحله دوم، مصادیق تقلب در قانون/مقررات، ذکر و تعریف شده باشند (و همچنین باید دارای ابعاد دیگری - که در ادامه توضیح داده شده است- باشند).
 نهایتاً همه تم‌های استخراج شده (ویژگی‌های فوق) به علت مفهوم مشابه داشتن، تحت عنوان تم فرعی بعد قانونی (ویژگی قانونی داشتن) برای مفهوم تقلب در نظر گرفته شد.

ب- تم فرعی بعد معنوی تقلب

این تم از تم‌های جزئی قصدونیت (ارادی بودن- قصور)، فریب‌کارانه و توأم با تبانی، تشکیل شده که نحوه استخراج تم‌های مذکور به شرح ذیل بوده است:
 تحلیل نظرات خبرگان نشان می‌دهد تم‌های جزئی قصدونیت (ارادی بودن- قصور) فرد متقلب، توأم بودن تقلب معمولاً با تبانی، و فریب‌کارانه (فریب کاری در انجام تقلب) ویژگی‌های هستند

که هنگام رخ دادن تقلب وجود دارند. در ادامه به برخی از نظرات در خصوص هر تم جزئی استخراج شده از پاسخ های خبرگان اشاره می شود:

تم جزئی قصدونیت (ارادی بودن-قصور):

"کارشناسان رسمی دادگستری باید موضوع ارجاع شده را بررسی و در صورتیکه به این نتیجه برسند قصوری اتفاقی افتاده [است] که منجر به ضرر و زیان شده باشد در قالب گزارش کارشناسی به دادگاه (یا مرجع ارجاع شده) تحت عنوان تقلب صورت گرفته اعلام نمایند که در این حالت ممکن است منجر به محکومیت حقوقی یا کیفری شود" (MI1501).

"تقلب، عامدانه نشان دادن تصویر بد از عملیات مالی، به شکل خوب است به اصطلاح روتوش کردن تصویر واقعی بد به شکلی خوب، همچنین هر گونه اقدام عمدی توسط یک یا چند نفر از مدیران اجرایی، ارکان رهبری، کارکنان یا اشخاص ثالث، که متضمن فریب کاری برای برخورداری از مزیتی ناروا یا غیر قانونی است" (EI0306).

تم جزئی توأم بودن احتمالی تقلب با تبانی:

"تا آنجایی که من به تجربه دیده ام فعل تقلب اولا" مشارکتی است. ثانيا" هدفمند و با برنامه صورت می گیرد. اما چون فعل تقلب عموما" با تبانی صورت می گیرد (یعنی بیش از یک نفر در آن مداخله دارد) همین مسئله [امکان] کشف تقلب را کمتر می کند. به همین علت حتی در بهترین حسابرسی ها به علت محدودیت ذاتی حسابرسی این خطر اجتناب ناپذیر وجود دارد که برخی تحریفات و تقلبات با اهمیت در صورتهای مالی کشف نشود" (EI0205).

"اقدامات متقلبانه ای مهمی که می تواند در شرکت اتفاق بیفتد، می تواند ناشی از تبانی مدیرانی باشد که با دور زدن کنترل های داخلی، معاملاتی با محتوای متفاوت از شکل انجام می دهند؛ [در این حالت] منابع شرکت به راحتی به سرقت می رود و یافتن این موارد بسیار سخت می باشد. در خصوص اقدامات متقلبانه کارکنان نیز معمولا با تبانی در سطح کارکنان اتفاق می افتد و آن هم بیشتر به دلیل ضعف کنترل های داخلی. مثل سوء استفاده از منابع شرکت، کلاه به کلاه کردن، خارج کردن وجه نقد از طریق بستن کاران راکد، دستکاری در مقادیر حواله های کالا از انبار و ..." (MI01301, 1305).

تم جزئی فریب کارانه:

"تعریف تقلب در صورتهای مالی از آنچه در استانداردها می آید جدا نیست. معذالک در واقع تقلب، انحراف از واقعیت هایی است که با قصد و تصمیم قبلی موضوعی را واقعیت نشان دهد که با واقعیت های بیرونی مطابقت ندارد و به قصد فریب مخاطب شکل داده شده است" (EI0105).

تم‌های جزئی شناسایی شده قصدونیت، تبانی و فریب‌کاری بیانگر این مفهوم هستند که در هنگام رخ دادن پدیده قلب نیروی درونی اراده با تصمیم قبلی و برنامه‌ریزی شده که عموماً "با مشارکت افراد هم‌نیت و با هدف فریب دیگران است، به عنوان خصیصه‌های قبلی وجود دارند. لذا این عوامل به علت مشابهت مفهومی با همدیگر با ویژگی‌های روانی فرد در قالب تم فرعی بعد معنوی احراز و طبقه بندی شدند.

پ-تم فرعی بعد مادی قلب

این تم از تم‌های جزئی قلب واقعیت، ضرورزیان رساندن به دیگری/دیگران، داشتن (برخوررداری از) مزایا و منافع قلب برای (توسط) مرتکب، تشکیل شده که نحوه استخراج تم‌های مذکور به شرح ذیل بوده است:

تحلیل مباحث خبرگان در خصوص تعریف قلب، بیانگر الزامی بودن بازتاب قلب در عالم واقع است. به بیان دیگر، قلب، اثر خود را به طرق مختلف با پدیدار شدن واقعیت وارونه در عالم ماده نشان می‌دهد و منجر به آثاری نظیر ضرورزیان به دیگری/دیگران و برخورداری از مزایا و منافع توسط مرتکب می‌گردد. ضرر و زیان رساندن به دیگران و یا برخوردار شدن از مزایا و داشتن منفعت در عالم واقع، ظهور اثر پدیده قلب است. برای مثال خبرگان معتقد بودند هر «مدیریت سودی» را نمی‌توان قلب محسوب نمود؛ مدیریت سودی که در آن علی‌رغم برخورداری از منفعت حاصل از آن، ضرورزیانی به دیگران وارد نمی‌شود، نمی‌توان آن عمل را قبیح دانسته و به آن عنوان قلب اطلاق نمود. در ادامه، به برخی پاسخ‌های خبرگان اشاره می‌شود (تلاش شده به صورت جداگانه برای هر تم جزئی از همان نقل قول‌های مرتبط مشابهی ارائه شود که استخراج تم مربوط، بر مبنای آن صورت گرفته است).

تم جزئی قلب (وارونه جلوه دادن) واقعیت:

"ارائه نادرست صورتهای مالی و یادداشتهای آن با قصد قبلی برای حصول مقاصد تهیه کننده که آثار با اهمیت و یا اساسی بر تصمیمات استفاده کنندگان داشته باشند" (EI0401).

"ثبت های حسابداری را دستکاری نموده [نمودن است] یا همان ساختگی مدارک پشتوانه معاملات و یا..." (EI0136).

"عدم افشاء اطلاعات مهم و با اهمیت هم منجر به گمراهی استفاده کنندگان می‌گردد" (MI0538).

ضرر و زیان رساندن به دیگری/دیگران

"حتی ممکن است این خسارت با رعایت کردن استانداردها [در ظاهر] هم روی دهد..." (MI1215).

"... هر مدیریت سودی که تقلب نیست برخی از این روش ها حتی نیاز [هم است]، دستکاری در اقلام تعهدی انجام می شود اما نه با سوء نیت، بلکه خیرخواهانه، این خوبه؛ اما به فکر منافع خود باشی و باطبع زبانی، به دیگران خواهی رساند، و..." (MI0537).

از نقل قول هایی فوق تم های قلب واقعیت و ضرروزیان رساندن به دیگری/دیگران استخراج شدند. (همچنین از نقل قول های مشابه بالا، تم های جزئی قصدو نیت (از عبارت "سوء نیت")، مربوط به بخش قبل نیز قابل استخراج است.) داشتن مزایا و منافع برای مرتکب:

"تقلب در صورتهای مالی بسته به اینکه مرتکب شونده تقلب به دنبال کدام مزایای خود است آیا مدیر است و می خواهد به نفع سهامداران مالیات را کاهش دهد یا می خواهد قیمتهای سهام شرکت ها را افزایش دهد" (EI0317).
از نقل قول بالا: "...به فکر منافع خود باشی..." (MI0537).

نقل قول های ارائه شده در این قسمت نشان می دهند، پدیده تقلب با قلب واقعیت (وارونه جلوه دادن) همراه است. قلب واقعیت ممکن است از طریق اقدام به عمل (فعل) مانند دستکاری در حساب ها و مدارک و یا با عدم اقدام به عمل (ترک فعل)، برای مثال با عدم افشاء اطلاعات با اهمیت، صورت گیرد؛ که نتیجه آن نیز در عالم واقع منجر به ضرروزیان رساندن به دیگران و داشتن (برخوردار شدن مرتکب از) مزایا و منافع پدیده تقلب است.

در نهایت مطابق تمامی تم های جزئی و فرعی در بندهای الف، ب و پ، که بر اساس نتیجه تحلیل های صورت گرفته از نقل قول های خبرگان شناسایی شده اند؛ نتیجه گیری می شود: برای شناسایی فعل یا ترک فعلی به عنوان تقلب، اولاً "تعریفی در قوانین/ مقررات جاری کشور برای واژه تقلب باید وجود داشته باشد؛ ثانیاً "مصادیق تقلب در قانون/ مقررات مشخص و تعریف شده باشند؛ و ثالثاً "آن پدیده، خود را با بعد معنوی (قصدو نیت، معمولاً "توأم باتبانی و فریب کاری) نشان داده؛ و رابعاً "دارای آثار بعد مادی (قلب واقعیت، ضرر و زیان رساندن به دیگری/ دیگران و برخوردار شدن مرتکب از مزایا و منافع تقلب) باشد.

یافته های مربوط به سوال دوم پژوهش:

همانطوریک در بخش مربوط به تم فرعی بعد قانونی مفهوم تقلب (بند الف) اشاره شد اعتقاد خبرگان بر این است که ذکر مصادیق تقلب از ضروریات تعریف تقلب است و پس از تعریف تقلب

در قانون یا مقررات، مصادیق آن نیز باید در قانون یا مقررات ذکر شده و همچنین هر مصداق تقلب بایستی تعریف قانونی خود را داشته باشد. خبرگان معتقدند کارشناسان رسمی دادگستری/ خبرگان مورد وثوق مراجع قضایی، موضوع تقلب صورت گرفته را بایستی به زبان دادگاه به دادگاه گزارش نمایند. به طور مثال در صورتیکه در گزارش کارشناسی به انحراف اساسی از بند فلان استاندارد به عنوان تقلب به دادگاه گزارش می‌گردد، موضوع «انحراف اساسی از استاندارد حسابداری» برای دادگاه ناملموس بوده و ممکن است قاضی نتواند آن را با تعریف جرم ماده ۲ قانون مجازات اسلامی (جرم، باید در قانون تعریف شده باشد) تطبیق داده و کیفر جزائی تعیین نماید. اما، وقتی موضوع تقلب صورت گرفته، با مصداق ذکر شده در قانون (قوانین جاری کشور)، به دادگاه گزارش می‌شود (مانند تقسیم سود موهومی توسط شرکت)؛ به علت اینکه این مصداق در قانون تجارت آمده است و تقسیم منافع (سود) موهومی در قانون، کیفر جزائی دارد (موضوع ماده ۲۵۸ قانون تجارت). لذا در این حالت در صورتیکه سایر جوانب جرم هم محرز باشد دادگاه به مرتکبین آن کیفر جزائی خواهد داد. از این رو در شرکت‌های ایرانی باید مصادیق تقلب شناسایی و جرم انگاری گردد.

بنابراین با توجه به اظهارات خبرگان در حوزه تم فرعی بعد قانونی مفهوم تقلب (بند الف) که به طور اجمالی نیز در پاراگراف فوق به این مباحث پرداخته شد؛ در راستای تکمیل بعد قانونی مفهوم تقلب (تم جزئی «ذکر مصادیق تقلب» از تم‌های شناسایی شده بعد مفهوم قانونی تقلب)، سوال دوم پژوهشگران، در خصوص مصادیق تقلب در صورتهای مالی متقلبانه شرکت‌های ایرانی از خبرگان بود و نهایتاً "تحلیل سخنان خبرگان در این خصوص منجر به شناسایی تم اصلی مصادیق تقلب در صورتهای مالی، مصادیق کلی تقلب در پنج تم فرعی تقلب بعلاوه تم فرعی مصادیق قوانینی (برخی مصادیق اشاره شده در بعضی قوانین جاری کشور)، به همراه مجموعه تم‌های جزئی (مصادیق‌های عینی) گردید. نتایج در جدول شماره (۲) نشان داده شده است.

جدول (۲): مصادیق تقلب در صورتهای مالی

تم اصلی	تم های فرعی (مصادیق کلی)	تم های جزئی (مصادیق عینی)
مصادیق تقلب در صورتهای مالی	مدارک و مستندات واهی/جعلی در ثبت یا انجام معاملات	جعل سفارش یا فاکتور خرید/فروش، حمل کالا که سفارش داده نشده اند، ایجاد تاییدیه های ساختگی با ایجاد مشتریان خیالی، دستکاری دفاتر، صورتحسابها، ایجاد هزینه های ساختگی و...
	دستکاری در اقلام صورتهای مالی	گزارش نادرست درآمدها، هزینه ها، دارایی ها، بدهی ها و... در اندازه گیری، طبقه بندی، کدبندی و زمان بندی رویدادها مانند سرمایه محسوب کردن نادر ست هزینه ها یا عکس ان مانند اجاره های سرمایه ای و عملیاتی، تحریف قراردادهای اجاره، شناسایی فروش های با مراحل ناقص، شناسایی زودتر/دیرتر رویدادها، کمتر/بیشتر نشان دادن اقلام صورتهای مالی با ثبت های صورتی و نظایر اینها
	عدم افشا و قایع افشای غیر واقع	مانند معاملات با اشخاص وابسته یا در حکم وابسته، عدم شناسایی واحد وابسته /فرعی یا شناسایی غیر واقع، و نظایر اینها
	بکارگیری نادرست یا تفسیر ناصحیح استناددهای حسابداری	بکارگیری روشهای مختلف در محاسبه استهلاك، جدول سنی بدهکاران، ذخیره گیری ناصحیح در حسابهای برآوردی، مدیریت عایدات و درآمدها مانند انتقال سودهای جاری به سنواتی آتی و بالعکس، انتقال هزینه های جاری به دوره های آتی و بالعکس به منظور افزایش سود یا کاهش آن و ...
	سوء استفاده از داراییها	سوء استفاده/ سرقت از موجودی صندوق و تنخواه گردان به نفع خود یا دیگران، اموال منقول/ غیر منقول، موجودیها (قیمت گذاری نادر ست، شمارش نادر ست، روش ارز شیایی نادر ست)، و صول مطالبات شرکت توسط پرسنل خاطی با استفاده از ثبت های حسابداری و کلاه به کلاه کردن و نظایر اینها
مصادیق قوانینی (برخی مصادیق اشاره شده در بعضی قوانین جاری کشور)	قانون مجازات اسلامی: سرقت، اختلاس، رشوه، کلاهبرداری، جعل و دستکاری اسناد و مدارک	قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد: ارائه متقلبانه اسناد و صورتهای مالی، ثبت نکردن معاملات، ثبت هزینه ها و دیون واهی، ارایه نکردن اسناد به مراجع ذیربط، عدم پرداخت بدهی مالیاتی، استفاده از تسهیلات دریافتی در محل غیر محل دریافتی
	قانون بازار اوراق بهادار: سوء استفاده از اطلاعات نهانی، اغوای اشخاص به انجام معاملات، اقدام به انتشار آگهی پذیره نویسی بدون رعایت قانون، ارایه اطلاعات خلاف واقع با مستندات جعلی به سازمان بورس، افشای اسرار اشخاص بدون مجوز، عدم ارائه اطلاعات و مدارک درخواستی سازمان بورس	قانون بازار اوراق بهادار: سوء استفاده از اطلاعات نهانی، اغوای اشخاص به انجام معاملات، اقدام به انتشار آگهی پذیره نویسی بدون رعایت قانون، ارایه اطلاعات خلاف واقع با مستندات جعلی به سازمان بورس، افشای اسرار اشخاص بدون مجوز، عدم ارائه اطلاعات و مدارک درخواستی سازمان بورس
	قانون مالیات های مستقیم: تنظیم دفاتر، اسناد و مدارک خلاف واقع، اختفای فعالیت اقتصادی، خودداری از تکالیف قانون مالیات، ممانعت و عدم ارائه اطلاعات و مدارک درخواستی ماموران مالیاتی، تنظیم قرارداد، مدارک و معاملات خودبه نام دیگران یا مودیان بنام خود	قانون مالیات های مستقیم: تنظیم دفاتر، اسناد و مدارک خلاف واقع، اختفای فعالیت اقتصادی، خودداری از تکالیف قانون مالیات، ممانعت و عدم ارائه اطلاعات و مدارک درخواستی ماموران مالیاتی، تنظیم قرارداد، مدارک و معاملات خودبه نام دیگران یا مودیان بنام خود
	قانون تجارت: موضوع مواد ۱۲۹، ۱۳۲، معاملات صورتی، ورشکستگی به تقلب (از بین بردن دفاتر، مخفی کردن دارایی، استفاده از اسناد و گزارش جعلی برای مدیون تلقی نمودن خود و...)، ورشکستگی به تقصیر (انجام معاملات موهوم، خرید بالاتر یا فروش نازل تر، نداشتن دفاتر یا ناقص بودن آن، به حساب دیگری تعهد مازاد بر وضعیت حقیقی خود نمودن، عدم افشا و ...) تقسیم سود موهومی	قانون تجارت: موضوع مواد ۱۲۹، ۱۳۲، معاملات صورتی، ورشکستگی به تقلب (از بین بردن دفاتر، مخفی کردن دارایی، استفاده از اسناد و گزارش جعلی برای مدیون تلقی نمودن خود و...)، ورشکستگی به تقصیر (انجام معاملات موهوم، خرید بالاتر یا فروش نازل تر، نداشتن دفاتر یا ناقص بودن آن، به حساب دیگری تعهد مازاد بر وضعیت حقیقی خود نمودن، عدم افشا و ...) تقسیم سود موهومی
	قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی: برگزاری مناقصات و مزایده های صورتی جهت رعایت شکل قوانین و مقررات، سوء استفاده کارپردازان و مامورین خرید از طریق تبانی با فروشندگان	قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی: برگزاری مناقصات و مزایده های صورتی جهت رعایت شکل قوانین و مقررات، سوء استفاده کارپردازان و مامورین خرید از طریق تبانی با فروشندگان

در ادامه نحوه شناسایی تم‌های مصادیق تقلب (اصلی، فرعی و جزئی‌ها)، با اشاره به برخی از نقل قول‌های خبرگان که مرتبط با مبنای استخراج تم‌های فرعی و تم‌های جزئی مصادیق تقلب در شرکت‌های ایرانی است، مشروحا^۱ بیان می‌شود:

"یکی از انواع تقلب‌ها جعل مدارک [است] برخی از مدیران با اینها [جعل نمودن مدارک] اقدام به تقلب می‌کنند البته این کار آسونی نیست باید تمامی مدارک مرتبط را جور نمایند مانند فروش جعلی با مدارک مرتبط فروش مانند مدارک حمل، فاکتور جعل، سفارش خرید و ... همه را جعل می‌کنند. من در گزارش‌های کارشناسی‌ام موقعی که با جعل برخورد می‌کنم اشاره‌ای آشکار به واژه جعل می‌نمایم تا ذهن قاضی به ماده ۵۲۳ جلب شود" (EI0213).

"تنظیم صورتهای مالی به گونه‌ای که به ارائه سود بیش از واقع یا کمتر از واقع منجر و یا داراییها و بدهیهای شرکت بیش از واقع یا کمتر از واقع گزارش شود به بیان دیگر همان شناسایی بیشتر یا کمتر درآمدها، هزینه ها دارایی ها و بدهی هاست" (EI0402).

"پنهان کاری، سوء استفاده از طریق سند سازی وثبت هزینه های واهی و مطالبات و دارایی های واهی است" (MI0603).

"شناسایی نادرست درآمدها، بیان بیش از واقع دارایی ها یا عکس، استفاده نادرست از اقلام خارج از ترازنامه، افشای ناکافی، دستکاری در بدهی ها" (MI0303).

"حساب سازی از طریق موجودی های شرکت، اعمال روش های استهلاک کمتر از واقع نظیر تطویل مدت عمر فیبرنوری در شرکت ... " (MI0229).

به طور مثال، از نقل قول اولی فوق، مصداق‌های عینی تقلب، مانند جعل مدرک حمل، فاکتور جعلی، برگ سفارش خرید جعلی استخراج شدند. سپس همه این مصداق‌ها عینی تقلب (تم‌های جزئی) شناسایی شده، در زیر مجموعه یک تم فرعی مصداق کلی تقلب با عنوان «استفاده از مدارک جعلی یا واهی در ثبت یا انجام معاملات» قرار گرفتند.

به این طریق با تحلیل پاسخ‌های خبرگان، تم‌های فرعی (مصداق‌های کلی تقلب) در: ۱- «استفاده از مدارک و مستندات واهی یا جعلی در ثبت یا انجام معاملات»، ۲- «دستکاری در اقلام صورتهای مالی»، ۳- «عدم افشا واقع / افشای غیر واقع»، ۴- «استفاده ناصحیح یا تفسیر نادرست استانداردهای حسابداری» و ۵- «سوء استفاده از داراییها» با تم‌های جزئی (مصادیق عینی مربوط) برای هر تم فرعی شناسایی شدند.

علاوه بر شناسایی مصداق‌های کلی و عینی تقلب، به علت وجود برخی مصادیق مجرمانه در قوانین پراکنده کشور (طبق اظهارات خبرگان، این مصادیق مجرمانه می‌توانند با مصداق‌های تقلبی که پژوهش‌گران در این تحقیق به دنبال آن می‌باشند در ارتباط باشند). مانند مصادیق احصاء شده در قوانین مجازات اسلامی، تجارت، مالیات‌های مستقیم، تعزیرات حکومتی، ارتقای نظام سلامت اداری و مقابله با فساد، قانون بازار اوراق بهادار و... پژوهش‌گران تلاش نمودند برخی از این مصادیق اشاره شده در بعضی از این قوانین را استخراج نمایند. علی‌رغم اینکه بیشتر این مصادیق در ارتباط با بخش دولتی است (مانند اختلاس، کلاهبرداری که جرم‌انگاری آن در ارتباط با کارمندان دولت است و نمی‌توان کارمند بخش خصوصی را به استناد آن مصداق قانونی، مجرم تلقی و مجازات قانونی برای آن صادر و اجرا نمود و این موارد نیاز به جرم‌انگاری در بخش خصوصی دارد). با این حال، چون بخشی از شرکت‌های ایرانی دولتی می‌باشند این مصادیق می‌توانند در شرکت‌های دولتی کاربرد داشته باشند. همچنین این مصادیق قوانینی می‌توانند به عنوان راهنما در تدوین مصادیق برای بخش خصوصی مورد استفاده واقع شوند مانند واژه‌های «اختلاس»، «توزیع سود موهومی» که به عنوان مصداق‌های قوانینی می‌باشند از این رو مصادیق استخراج شده از قوانین و مقررات جاری کشور چون نوعی ذکر مصادیق مجرمانه (طبق نظر خبرگان از نوع تقلب در صورت‌های مالی می‌تواند باشد) در قوانین و مقررات است لذا این مصادیق طبق اظهارات و راهنمایی‌های خبرگان از قوانین و مقررات استخراج و به عنوان تم فرعی مصادیق قوانینی (برخی مصادیق اشاره شده در بعضی قوانین جاری کشور) طبقه‌بندی شدند.

یافته‌های مربوط به سوال سوم پژوهش

علاوه بر شناسایی مفهوم و مصادیق تقلب، هدف دیگر این پژوهش شناسایی قرائن (علائم احتمالی مشکوک به) تقلب و تفکیک این قرائن از مصداق‌های عینی تقلب بود (در مبانی نظری پژوهش به تعریف مصادیق و قرائن اشاره شده است). در راستای جمع‌بندی نظرات آنها در خصوص علائم احتمالی تقلب در شرکت‌های ایرانی سوال سوم به شرح زیر، مطرح شد.

به نظر شما چه مواردی (یا علائمی) بیانگر، احتمال وجود تقلب در صورت‌های مالی متقلبانه شرکت‌های ایرانی می‌باشند؟ بر اساس تحلیل پاسخ‌های خبرگان در خصوص سوال فوق، «قرائن تقلب» به عنوان تم اصلی و تم‌های فرعی «قرائن غیر مالی تقلب» و «قرائن مالی تقلب» در زیر مجموعه تم اصلی و خود تم فرعی «قرائن غیر مالی» در دو بخش «قرائن شکلی» و «قرائن ساختاری» تقلب به همراه علائم‌های مربوط (پرچم‌های قرمز) شناسایی شدند. نتایج یافته‌های این بخش در جدول (۳) ذیل نشان داده شده است.

جدول (۳): قرائن تقلب در صورت‌های مالی

تم اصلی	تم‌های فرعی	تم‌های جزئی
قرائن: تقلب در صورت‌های مالی	قرائن غیر مالی تقلب	قرائن شکلی تقلب
	قرائن مالی تقلب	
قرائن: تقلب در صورت‌های مالی	قرائن ساختاری تقلب	قرائن شکلی تقلب
	قرائن مالی تقلب	
قرائن: تقلب در صورت‌های مالی	قرائن ساختاری تقلب	قرائن شکلی تقلب
	قرائن مالی تقلب	

استفاده از دو یا چند دفتر برای ثبت عملیات- دادوستد غیر از مجاری قانونی و مقرراتی(مانند فروشی که از طریق سیستم بانکی یا بر اساس مقررات مناقصه -واگذاری خدمات-صورت نگرفته است)- در دسترس نبودن اصل مستندات یا وجود تناقض و دستکاری در مستندات- نامناسب بودن بایگانی و نگهداری سوابق و مستندات رویدادها- دریافت و پرداخت‌ها به صورت وجه نقدی دستی- عدم ارائه مدارک درخواستی یا تاخیر در ارائه به مرجع ذیصلاح (بازرس/حسابرس تقلب یاب)- حسابها یا معاملات بدون مدارک پشتیبان ، ناقص یا متناقض- رویدادها و معاملاتی که با نظر مدیریت انجام و ثبت شده‌اند - پاسخ های متناقض، مبهم یا مشکوک در جواب سوالات پرسیده شده مرجع ذیصلاح از مجموعه شرکت- ثبت معاملاتی که مراحل آن تکمیل نشده اند(وجود فروش های مشروط ،غیر قطعی، غیر عادی و مقطعی شرکت‌هایی که قراردادهای غیر عادی، جهت دار و جانب دارانه دارند؛ به‌خصوص در پایان دوره)- انعقاد قراردادهای جانبدارانه یا به شرط اقاله- وجود تغییرات غیر عادی در روابط مهم صورتهای مالی - تداخل در وظایفی که غیر قابل جمع است- وجود ممانعت در انجام بررسی و رسیدگی بازرس/حسابرس تقلب یاب- تغییرات مکرر در برآوردها و رویه ها وتجدید ارائه صورتهای مالی- نبود یا کمبود کارکنان متخصص در امور مالی- استقرار/ تغییر سیستم های فناوری- استفاده از تامین مالی خارج از ترازنامه(تامین مالی پیچیده، واحدهای تجاری با مقاصد خاص، مشارکتهای خاص پیچیده)- وجود دعاوی حقوقی- تغییرات زیاد و غیر معمول کارکنان مالی و مدیران ارشد در شرکت
•ضعف کنترل‌های داخلی •فضای نامناسب محیطی-اخلاقی (از قبیل نبود دستور العمل‌ها، رویه‌های اخلاقی، آموزش و ...) •وجود معاملات با اشخاص وابسته •انگیزه‌های مدیریتی (پاداش، افزایش قیمت سهام و...) •ناشیستگی مدیریتی •پیچیدگی‌های فناوری و ساختار پیچیده سازمانی •انعطاف پذیری استانداردهای حسابداری/خلاء قوانین •کیفیت پایین نظارت (حسابرسی داخلی، کمیته حسابرسی، هیات مدیره، حسابرسان مستقل،مشاوران حقوقی)
• حساب های مبتنی بر قضاوت و برآورد -به علت بستر مناسب بودن برای تقلب (مانندافزایش/کاهش در حسابهای دریافتنی و موجودیها به دلیل استفاده از ذخیره گیریهای غیر معقول و معمول) • نبود تناسب بین نسبتهای مالی با پارامترهای غیر مالی(مانند رشد درآمد با رشد کارکنان وهزینه های اداری) •برخی نسبتهای مالی هشدار دهنده(مانند بالا رفتن اهرم مالی؛ پایین بودن: نسبت نقدینگی نسبت جاری، سرمایه در گردش، بازده، به طو کلی نسبتهایی که حاکی از درماندگی مالی و یا سودآوری پایین و نامتناسب حکایت دارند). •رشد فروش نامعمول شرکت نسبت به روند گذشته و صنعت مشابه • شاخص های اشاره شده در پژوهش های قبلی(شرکت هایی که سابقه مدیریت سود دارند، با ورشکستگی مواجه هستند و سایر علائم یافت شده در چنین پژوهش‌ها مانند شاخص هاو امتیاز مدل بنیش، آلتمن و...)

در ادامه نتایج یافته ها این بخش مشروحا" ارائه می شود:

تم اصلی قرائن تقلب

مصاحبه شوندگان علائم و نشانه‌های زیادی را در پاسخ به سوال سوم به عنوان علائم مشکوک به تقلب ارائه نمودند. اعتقاد آنان بر این است که وجود این قرائن در شرکت‌ها به عنوان سرنخ کشف تقلب (و نه به عنوان مصداق تقلب)، متخصص تقلب‌یاب را یاری می‌نماید. این قرائن در ادامه در دو تم فرعی «قرائن غیر مالی» و «قرائن مالی» به همراه نقل قول های خبرگان تشریح می شوند:

تم فرعی قرائن غیر مالی تقلب (در دو بخش: شکلی و ساختاری)

خبرگان به قرائنی مانند استفاده از دو یا چند دفتر برای ثبت عملیات، دادوستد غیر از مجاری قانونی و مقرراتی و ... همچنین ضعف کنترل‌های داخلی، معاملات با اشخاص وابسته و ... به عنوان علائم غیرمالی نشانگر تقلب، اشاره نمودند. به نظر ایشان، متخصص تقلب‌یاب در بررسی خود باید به این سرنخ‌ها توجه نماید و احتمال وجود تقلب بدهد. بر اساس تحلیل گفته‌های خبرگان، این علائم شناسایی شده، یا خود را، در ارتباط با شکل ظاهری حسابه‌ها، اسناد و مدارک و دفاتر شرکت، نشان می دهند؛ و یا در ارتباط با ساختار حاکم بر شرکت. مانند ضعف ساختاری، پیچیدگی ساختاری، نحوه ساختاری (به طور مثال معاملات با اشخاص وابسته در شرکت) وجود دارند. لذا این علائم در دو تم الف- قرائن شکلی و ب- قرائن ساختاری تقلب طبقه‌بندی شدند. در دامه، این تم‌ها به همراه نمونه‌ای از برخی نقل قول‌های خبرگان توضیح داده می شوند:

الف- قرائن شکلی تقلب:

"برخی شرکتها (البته بیشتر غیر از سهامی عام) مانند سهامی خاص، تضامنی و... برای فرار از پرداخت مالیات، از دو سری دفاتر و سیستم مالی که یک سری دفاتر قانونی جهت ارائه به اداره دارائی و دفاتر دیگری برای انعکاس رویدادهای واقعی [دارند] استفاده می نمایند آیا به نظرتان نگهداری از دو سیستم برای ثبت و گزارشگری، احتمال وجود تقلب در شرکت نیست؟! اصلا" این جرم [است]، و باید با چنین رفتاری برخورد کرد..." (MI0101).

"در دهه اخیر با اعمال تحریم‌ها، فرصت [برای] عملیات متقلبانه و تخلفات به شدت افزایش یافته، به طور مثال خرید و فروش هایی که نه از کانال و مجاری قانونی شرکت بلکه از طریق واسطه‌ها و صرافان، [امکان] عملیات غیر قانونی وجود دارد در این حالت منافع شرکت به حساب مدیران در خارج از کشور که، بیشتر [هم] در شرکتهایی که صادر کننده هستند در چند سال اخیر [هم] رایج بوده و چنین پرونده های تقلب در دادگاههای مفاسد اقتصادی اخیرا" زیاد شده است (EI0232).

نقل قول‌های فوق نشان می‌دهد که متخصصان تقلب‌یاب می‌توانند از برخی ایرادات شکلی موجود مانند شرکت‌هایی که از دو دفتر برای سیستم عملیات خود (یکی برای اداره دارایی و دیگری برای امور شرکت) استفاده می‌نمایند، به احتمال وجود تقلب در شرکت، پی ببرند. یا موقعی که شرکت، خرید و فروش خود را بنا به دلایلی (مانند تحریم) از طریق واسطه‌ها انجام می‌دهد و ثمن این معاملات به جای سیستم بانکی شرکت از طریق حسابهای شخصی مدیران شرکت رد و بدل می‌شود، احتمال سوء استفاده از وجوه شرکت و یا سرقت آن، وجود دارد. به این ترتیب هر کدام از چنین قرائنی (نگهداری دو دفتر برای عملیات- صورت گرفتن معاملات از کانال غیر رسمی و...) که امکان می‌دهند متخصصان تقلب‌یاب، از شکل ظاهری (دفاتر، اسناد، مدارک، رویه موجود، و ... در شرکت) به احتمال رخ دادن تقلب پی ببرند، تحت تم فرعی « قرائن غیر مالی - شکلی » طبقه بندی شدند.

ب- قرائن ساختاری تقلب

"...کمیت (کوزو)^۷، وجود چهار وضعیت را به عنوان شرایط وجود خطر تقلب اعلام می‌دارد که باید بازرس متقلب در این نواحی هوشیار باشد: ۱- جایی که نقدینگی دریافت می‌شود احتمال خیلی دارد که بلایی به سر نقدینگی اعم از دریافت چک، نگهداری اسکناس، اوراق بهادار یا هر چیزی که می‌توان به آن وجه نقد گفت. ۲- جایی که پیچیدگی صنعت وجود دارد. ۳- تغییرات فناوری آن زیاد باشد. ۴- کنترل‌های داخلی ضعیفی داشته باشد" (EI0332).

.... "در ایران علاوه بر سایر روش‌ها و در کنار آنها، از روش‌های مرتبط با "معاملات با اشخاص وابسته" و بدتر از آن "معاملات با اشخاص در حکم وابسته" استفاده می‌شود" (EI0175).

تحلیل گفته‌های خبرگان به شرح نمونه‌های فوق‌الذکر نشان می‌دهد ضعف در ساختار مانند ضعف در کنترل‌های داخلی، دریافت و پرداخت به صورت نقدی نه سیستمی، و ... همچنین نحوه ساختار، مانند پیچیدگی صنعت، معاملات با اشخاص وابسته و... می‌توانند بستری برای تقلب فراهم نمایند. به این طریق، از نقل قول‌های مرتبط خبرگان، قرائن (علائم احتمالی) تقلب در تم ساختاری شناسایی و نهایتاً در زیر مجموعه تم فرعی « قرائن غیر مالی - ساختاری » طبقه بندی شدند.

⁷ The Committee of Sponsoring Organizations'

تم فرعی قرائن مالی تقلب

نتایج یافته‌های این بخش بیشتر منطبق با یافته‌های پژوهش‌های قبلی است که محققان بدان موارد در پژوهش‌های مختلف دست یافته‌اند. به برخی از پاسخ‌های خبرگان اشاره می‌شود:

"به نظر من جعل اسناد و مدارک کار سختی [است] برای تقلب؛ مدیر کار بلد طوری تقلب می‌کند که اثبات آن کار آسانی نیست. چون اصول حسابداری در بسیاری از اقلام صورتهای مالی، ارزش گذاری آنها را به قضاوت مدیران واگذار نموده است، مدیر ز رنگ، با اقلام تعهدی بازی می‌کند، ذخیره مطالبات مشکوک الوصول را دستکاری می‌کند یا کارهای از این حیث انجام می‌دهد، دست روی ارزش گذاری موجودی‌ها می‌گذارد. به طور مثال شما به شرکتی را در نظر بگیرید که موجودی نابابی به مبلغ ۱۰۰ میلیارد تومان دارد و بیش از دو سالی که به فروش نرفته است، مدیریت از این موجودی براحتی در راستای افزایش سود استفاده می‌کند. حالا اگر حسابرسان هم دست روی این موجودیها بزنند مدیر، این نابابی را نمی‌پذیره، ممکن در این حالت با حسابرسان به توافق تعدیل ۵۰ درصدی برسند آخرش باز مدیر ۵۰ میلیارد تومان تونسته حسابسازی کنه" (MI1035).

"در نظر بگیرید شرکتی می‌خواهد از بانک صنعت معدن وام بگیره، حالا ارزش شرکت برای بانک خیلی مهم است که بتونه فردا وام پرداختی خود را بازپس بگیرد، معمولاً در برخی از شرکت‌ها در کشور ما اقلام بدهی‌ها، فروش‌ها، دارایی‌ها بخاطر دریافت وام از بانک‌ها دستکاری می‌شوند. لذا شما به عنوان تقلب یاب باید به اهرم مالی آن دقت کنید، به فروش آن دقت کنید که به خاطر گرفتن وام دستکاری نشده باشد" (MI0917).

از نقل قول‌های فوق پژوهش‌گران به این نتیجه می‌رسند که تحلیل برخی اقلام تعهدی و روند نسبت‌های مالی که در پژوهش‌های قبلی نیز بدان اشاره شده است در شناسایی تقلب به عنوان علائم مشکوک به تقلب حائز اهمیت می‌باشد. جمع بندی نتایج پاسخ‌های خبرگان بیانگر این موضوع است که معمولاً شرکت‌های که با وضعیت وخیم مالی روبرو هستند (نقدینگی پایین دارند، بدهی بالایی دارند، سرمایه در گردش پایین دارند، در آستانه ورشکستگی قرار دارند، سودآوری نامتناسبی دارند و...) و یا تحت فشار قرار دارند (بدنبال دریافت وام هستند، راضی نگهداشتن اعتبار دهندگان هستند و...)، ممکن دست به تقلب ببرند. در این میان حسابهایی که قضاوتی هستند مانند موجودی‌ها، حسابهای دریافتنی که روش ذخیره‌گیری و ارزش گذاری‌های

انعطاف‌پذیر و قضاوتی دارند، دارایی‌هایی که بر مبنای ارزش‌یابی درصد تکمیل کار آنها ارزش- گذاری می‌شوند، شرکت‌هایی که سوابق مدیریت سود دارند و... دارای علائم احتمالی مالی تقلب می‌باشند.

اعتبار و پایایی یافته‌های این تحقیق به روش‌های زیر تأیید شده است:

- ۱- مصاحبه شوندگان این تحقیق دارای تجربه کافی در زمینه حسابرسی و تقلب‌یابی شرکت‌ها هستند و به پرونده‌های متعدد و بزرگ تقلب در کشورمان در دادگاه‌ها یا نهادهای نظارتی رسیدگی نموده‌اند.
 - ۲- داده‌های شناسایی شده این پژوهش در نقل قول‌های متعدد جداگانه خبرگان، از معنای پنهانی یا ظاهری مشابه (تکراری) برخوردار بودند، به عبارتی تکرار داده‌ها در مجموع مصاحبه‌های جداگانه به طور میانگین بین ۴ تا ۷ مورد است.
 - ۳- برخی از یافته‌های این تحقیق مانند مصادیق اشاره شده در قوانین و مقرراتی از قوانین و مقررات جاری کشور استخراج شده و یافته‌ها در بخش قرائن تقلب (بیشتر در بخش قرائن مالی)، در پژوهش‌های قبلی نیز، یافت شده است.
 - ۴- نتایج این پژوهش مجدداً توسط خبرگان اصلی بازبینی و تأیید شده است به عبارتی از روش کنترل اعضا نیز برای پایایی استفاده شده است.
- بنابراین یافته‌های تحقیق از پایایی و اعتبار لازم برخوردار است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در کشورهای بزرگ اقتصادی دنیا، یکی از راههای مقابله با پدیده تقلب، تصویب قوانین در حوزه تقلب مالی، بوده است. علی‌رغم گریبانگیر بودن تقلب در شرکت‌های ایرانی، تاکنون قانون و مقررات منسجمی برای شرکت‌های ایرانی برای مقابله با تقلب تدوین نشده است. پژوهش حاضر در همین راستا با هدف تبیین ابعاد مفهوم تقلب و شناسایی مصادیق و قرائن تقلب از طریق مصاحبه با خبرگان حوزه تقلب مالی در محیط کشور ایران برآمده است. بدیهی است تبیین مفهوم تقلب و شناسایی مصادیق آن می‌تواند خلاء مباحث نظری را پر نموده و چشم‌اندازی برای قانونگذار در تدوین قوانین موضوعه برای شرکت‌های ایرانی، برای پیشگیری از تقلب مقصود به فایده باشد، همچنین می‌تواند ضمانت اجرایی، اصول، روشها و استانداردهای حسابداری در کشورمان محسوب شود.

یافته‌های این پژوهش مفهوم تقلب را در ابعاد «قانونی»، «معنوی» و «مادی» بیان می‌دارد و همین‌طور در تم فرعی بعد «قانونی» با تم‌های جزئی «لزوم تعریف تقلب در قانون»، «ذکر مصادیق تقلب در قانون» و «تعریف مصادیق تقلب در قانون»؛ در تم فرعی بعد «معنوی» با تم‌های جزئی

«قصد و نیت»، «فریب کارانه»، «معمولا» «نوأم با تبانی» و در تم فرعی بعد «مادی» با تم‌های جزئی «قلب (وارونه جلوه دادن) واقعیت»، «وارد شدن ضرر و زیان به دیگری/دیگران»، «داشتن مزایا و منافع برای مرتکب» نشان می‌دهد. از این رو قلب باید، در قانون تعریف و مصادیق قلب در قانون ذکر و این مصادیق خود تعریف قانونی داشته باشند. همچنین در تحریر تعریف «قلب» باید به مفاهیم «قصد و نیت»، «فریب کاری»، «تبانی»، «وارد شدن ضرر و زیان ناشی از قلب به طرف دیگر/دیگران»، «وارونه جلوه نمودن واقعیت با قلب» و «داشتن (برخورداری از) مزایا و منافع برای مرتکب» توجه شود.

افزون بر تبیین ابعاد مفهوم قلب، در پژوهش حاضر در راستای تم جزئی «ذکر مصادیق قلب در قانون» از تم‌های جزئی بعد قانونی مفهوم قلب، در این تحقیق مصادیق‌های کلی قلب در پنج تم فرعی «مدارک و مستندات واهی یا جعلی در ثبت یا انجام معاملات»، «دستکاری در اقلام صورتهای مالی»، «عدم افشا وقایع /افشای غیر واقع»، «بکارگیری نادرست یا تفسیر ناصحیح استانداردهای حسابداری»، «سوء استفاده از داراییها» علاوه تم فرعی «مصادیق قوانینی» (برخی مصادیق اشاره شده در بعضی قوانین جاری کشور) شناسایی شدند. هر یک از مصادیق‌های کلی فوق خود از مجموعه مصادیق عینی مرتبط شناسایی شده‌اند. مجموعه مصادیق عینی شناسایی شده برای هر یک از مصادیق کلی در جدول شماره ۲ ذکر شده است.

از دیگر یافته‌های این پژوهش شناسایی قرائن قلب در صورتهای مالی است که در دو گروه غیر مالی و مالی شناسایی شدند. گروه غیر مالی در دو بخش قرائن شکلی و ساختاری قلب طبقه‌ای شد. منظور از قرائن شکلی، آن علائم تقلبی هستند که متخصص قلب‌یاب می‌تواند با دقت در شکل اسناد، مدارک، دفاتر و رویه‌های ظاهری شرکت، به احتمال رخداد قلب در صورت-های مالی پی ببرد، مانند سرخ‌هایی که از رویه دو دفتره بودن سیستم ثبت فعالیت‌های شرکت، یا از داد و ستدهایی که از طریق مجاری غیر رسمی شرکت انجام می‌شود، یا از بررسی معاملاتی که مستقیماً به دستور و با حضور مدیریت صورت می‌گیرد، بدست می‌آیند.

قرائن ساختاری قلب نیز در ارتباط با ضعف ساختار (مانند ضعف کنترل‌های داخلی، ضعف نظارت)، نامناسب بودن ساختار (مانند حاکم بودن مدیریت ناشایست، فضای نامناسب اخلاقی در شرکت)، یا نحوه و بستر ساختار (مانند معاملات با اشخاص وابسته، پیچیدگی‌های ساختاری) است که بیانگر زمینه‌های لازم برای قلب می‌باشند. قرائن مالی قلب شناسایی شده، علائمی هستند که وجود و میزان اندازه آنها با قلب در ارتباط است مانند حسابهای مبتنی بر ارزش‌گذاری توسط مدیریت (موجودی‌ها، ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول)، برخی از نسبت‌های نشانگر وضعیت مالی شرکت (مانند نسبت نقدینگی، نسبت جاری، نسبت‌های بدهی، نسبت‌های بازده)، شاخص-های بنیشت و اندازه امتیاز بنیشت، آلتمن، وجود سابقه مدیریت سود در شرکت می‌باشند که در

پژوهش‌های قبلی (نظیر هاشمی و حریری (۱۳۹۶)، مشایخی و حسین پور (۱۳۹۵)، تارجو و هروتی (۲۰۱۵)، سپاتیس (۲۰۰۲))، نیز این موارد یافت شده‌اند.

یافته‌های این پژوهش در برخی مصداق‌ها، قرائن غیرمالی تقلب (شکلی و ساختاری) و قرائن مالی به نوعی در تطابقت، همراستا و مکمل یافته‌های پژوهش‌های پیشین (بنیش (۱۹۹۹)، بلو کارسلو (۲۰۰۰)، لین و همکاران (۲۰۱۵)، نیکبخت و شیخ (۱۳۸۳)، صفرزاده (۱۳۸۹)، اعتمادی و زلّی (۱۳۹۲)، فرقاندوست حقیقی و همکاران (۱۳۹۳)، مرادی و همکاران (۱۳۹۳)، سجادی و کاظمی (۱۳۹۵)، خواجه‌ی و ابراهیمی (۱۳۹۶)، طاهری و همکاران (۱۳۹۷)، سپاسی و تشدید (۱۳۹۷)، پسندیده فرد و همکاران (۱۳۹۸)، معصومی و همکاران (۱۳۹۹)، دیان‌تی دیلمی و همکاران (۱۴۰۰)، اولوسولالوک (۲۰۱۳)، زین‌الدین و همکاران (۲۰۱۶)، ازجان (۲۰۱۹)، سبائو و همکاران (۲۰۲۱)) می‌باشد. این پژوهش توانسته است ابعاد سه‌گانه مفهوم تقلب را تبیین و مصداق‌ها و قرائن تقلب را شناسایی و از همدیگر تفکیک نماید.

نبود تعاریف جامع و مناسب از تقلب و مصادیق آن در شرکت‌ها، سازمان بورس و اوراق بهادار، بانک‌ها، بیمه‌ها... و راهکارهای مقابله با آن نیازمند ارائه تعریفی جامع و دقیق تقلب در کشور است. ابعاد تبیین شده مفهوم تقلب و مصداق‌های کلی تقلب پنج تم فرعی به همراه مجموعه مصادیق عینی هر تم فرعی شناسایی شده این پژوهش، می‌توانند در راستای تعریف تقلب و تدوین قانون مقابله با تقلب برای شرکت‌های ایرانی مورد استفاده قانونگذار واقع شوند.

قرائن (علائم احتمالی مشکوک به تقلب) شناسایی شده این پژوهش می‌توانند مانند پرچم‌های قرمز هشدار دهنده در کشف تقلب شرکت‌ها برای متخصصین تقلب‌یاب (نظیر حساب‌رسان، بازرسان، کارشناسان رسمی دادگستری) موثر واقع شوند.

به پژوهشگران آتی نیز موضوع‌های زیر جهت انجام پژوهش‌های دیگر پیشنهاد می‌شود:

- به تعریف هر کدام از پنج تم فرعی مصادیق کلی شناسایی شده این پژوهش بپردازند. به طور مثال تحقیق شود، تعریف تم فرعی «دستکاری در اقلام صورتهای مالی» چگونه می‌تواند باشد؟
- در راستای تکمیل سایر مصداق‌های عینی تقلب برای هر ۶ تم فرعی، تحقیق نمایند. به طور مثال در راستای تکمیل مصادیق عینی تکمیلی دیگر برای تم فرعی «سوء استفاده از داراییها» تحقیق نمایند تا مصادیق عینی دیگر علاوه بر مصادیق عینی شناسایی شده این پژوهش (سوء استفاده/ سرقت از موجودی صندوق و تنخواه گردان به نفع خود یا دیگران، اموال منقول/ غیر منقول، موجودیها (قیمت گذاری نادرست، شمارش نادرست، روش ارزشیابی نادرست)، وصول مطالبات شرکت توسط پرسنل خاطی با استفاده از ثبت‌های حسابداری و کلاه به کلاه کردن) شناسایی شوند و یا

برای تم فرعی «برخی مصادیق اشاره شده به صورت پراکنده در بعضی قوانین مختلف» سایر مصادیق عینی قوانین و مقررات جاری کشور را شناسایی و استخراج نمایند.

- به علت گستره تقلب در حوزه های مختلف، توصیه می شود در حوزه هایی مانند تقلب بازار بورس، بانکداری، بیمه، مالیاتی، رایانه ای و سایر حوزه های دیگری که معمولاً "تقلب روی می دهد تحقیق نموده تا تعاریف و مصادیق تقلب این حوزه ها نیز احراز شوند.

پژوهش حاضر به علت کیفی بودن، نتایجش به نظرات مجموعه خبرگان مشارکت کننده در تحقیق متکی است. خبرگان سایر کشورها در این تحقیق مشارکت نداشتند لذا تعمیم یافته های این تحقیق به دیگر کشورها با محدودیت همراه است و جانب احتیاط را باید رعایت نمود.

فهرست منابع:

- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا. (۱۳۹۰)، تحلیل محتوای کیفی، پژوهش، دوره ۳، شماره ۲، صص ۱۵-۴۴.
- اعتمادی، حسین و زلفی، حسن. (۱۳۹۲)، کاربرد رگرسیون لجستیک در شناسایی گزارشگری مالی متقلبانه، دانش حسابرسی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، صص ۵-۲۳.
- انواری، سعید. (۱۴۰۰)، منطق، شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران، تهران، صص ۲۹-۳۱.
- بولو، قاسم و صادقی، پیمان. (۱۳۸۹)، تاثیر ویژگی های اخلاقی فردی حسابرسان بر استفاده از راهنمای تصمیم در کشف تقلب مدیریت، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال پنجم، شماره های ۳ و ۴، صص ۷۴-۸۳.
- بولو، قاسم؛ برزیده، فرخ؛ الهیاری ابهری، حمید. ۱۳۹۹، الگوی ارزیابی خطر تقلب در حسابرسی صورت های مالی، دانش حسابداری، دوره ۱۱، شماره ۴، پیاپی ۴۳، صص ۲۵-۴۵.
- پسندیده فرد، فایزه؛ وادی زاده، کاظم؛ سپاسی، سحر. (۱۳۹۹)، شناسایی عوامل موثر بر گزارشگری مالی متقلبانه و نادرست با استفاده از روش فراترکیب، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۵، شماره ۹، صص ۳۰۱-۳۳۴.
- پورحیدری، امید و بذرافشان، سعید. (۱۳۹۰)، بررسی سودمندی استفاده از چک لیست راهنمای کشف تقلب در ارزیابی خطر تقلب مدیریت، پژوهش های تجربی حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۳، صص ۶۹-۸۶.

- تشدیدی، الهه و سپاسی، سحر. (۱۳۹۷)، ارائه الگوی پیشگیری و کنترل تقلب در ایران به روش نظریه پردازی زمینه بنیان، حسابداری مالی، سال دهم، شماره ۴۰، صص ۲۹-۵۰.
- حسینی، سید علی؛ داغانی، رضا؛ نصر، محمد علی. (۱۳۹۶)، ساز و کارهای بررسی تقلب: حسابداری دادگاهی، ارزیابی کنترل‌های داخلی، انتشارات بورس، ص: ۵۷.
- خواجوی، شکراله و ابراهیمی، مهرداد. (۱۳۹۶)، مدل سازی متغیرهای اثر گذار بر کشف تقلب در صورت های مالی با استفاده از تکنیک های داده کاوی، حسابداری مالی، فصلنامه حسابداری مالی، سال ۹، شماره ۳۳، صص ۲۳-۵۰.
- خواجوی، شکراله و ابراهیمی، مهرداد. (۱۳۹۶)، ارائه یک رویکرد محاسباتی نوین برای پیش‌بینی تقلب در صورتهای مالی با استفاده از شیوه‌های خوشه‌بندی و طبقه‌بندی (شواهدی از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران)، پیشرفت‌های حسابداری، دوره ۹، شماره ۲، صص ۱-۳۴.
- خوانساری، محمد. (۱۳۷۵)، منطق صوری، جلد اول و دوم، موسسه انتشارات آگاه، تهران، چاپ نوزدهم، صص: ۱۳۲ و ۱۶۱.
- دیانتی دیلمی، زهرا؛ باقری، ناهید؛ منطقی، خسرو. (۱۴۰۰)، الگوی شناسایی اسناد و مدارک فیزیکی مشکوک به تقلب بر اساس مشخصات ظاهریشان، مجله دانش حسابداری، دوره دوازدهم، ش ۳، پیاپی ۴۶، صص ۱۲۹-۱۴۶.
- دیانتی دیلمی، زهرا و جعفری کیانا. (۱۳۹۸)، استفاده از مدل بنیش، مدل بنفورد و مدل پیوتروسکی برای کشف تقلب‌های احتمالی در گزارشگری مالی: مطالعه موردی یک شرکت فرضی، هفدهمین همایش ملی حسابداری ایران، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم-۳ و ۴ مهرماه ۱۳۹۸.
- دیانتی دیلمی، زهرا؛ سلطانی، اصغر؛ عراقی، حامد. (۱۳۹۷)، تدوین برنامه درسی کارشناسی ارشد حسابداری قضایی و ضد تقلب، دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، دوره ۳، شماره ۵، صص ۴۱-۱۰۰.
- رضایی، ذبیح اله. (۱۳۹۸)، حسابداری قانونی و تقلب در صورتهای مالی، ترجمه: سید علی صبحی، انتشارات شرکت پیشرو فناوری، تهران، صص ۱۷-۲۵.
- رهنمای رودپشتی، فریدون. (۱۳۹۱)، داده‌کاوی و کشف تقلب‌های مالی، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال ۱، شماره ۳، صص ۱۷-۳۳.
- رویائی، رمضانعلی؛ محمدی، مهدی. (۱۳۹۴)، اخلاق و حرفه ای گرایی در حسابداری، انتشارات کتابخانه فرهنگ، تهران، ص: ۲۸۳.

ساریخانی، مهدی؛ ایزدی نیا، ناصر؛ کریم زاده، سعید دائی. (۱۳۹۹). بررسی عوامل موثر بر قصد گزارشگری تقلب با استفاده از مثلث تقلب و تئوری رفتار برنامه ریزی شده: از دیدگاه حسابداران، دو فصلنامه ارزشی و رفتاری، دوره ۳، شماره ۶، صص ۱۰۵-۱۳۵.

سجادی، سید حسین و کاظمی، توحید. (۱۳۹۵)، الگوی جامع گزارشگری مالی متقلبان در ایران به روش نظریه پردازی زمینه بنیان، پژوهش های تجربی حسابداری، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۸۵-۲۰۴.

صفرزاده، محمد حسین. (۱۳۸۹)، توانایی نسبت های مالی در کشف تقلب در گزارشگری مالی: تحلیل لاجیت، مجله علمی-پژوهشی دانش حسابداری، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۳۷-۱۶۳.

طاهری، مسعود؛ ایزدی نیا، ناصر؛ مؤید فر، رزیتا. (۱۳۹۷)، بررسی اهمیت ابعاد و نشانه های تقلب در تعدیل برنامه حسابرسی با استفاده از مدل پنتاگون تقلب، مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۵، شماره ۵۹، صص ۸۳-۱۰۶.

عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابولحسن؛ شیخ زاده، محمد؛ (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجد در داده های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۲، پیاپی ۱۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.

عالی پور، حسن. (۱۳۸۹)، ماهیت جرم، پژوهش حقوق و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۲۸، صص ۱۷۷-۲۱۲.

فرقاندوست حقیقی، کامبیز؛ هاشمی، سید عباس؛ فروغی دهکردی، امین. (۱۳۹۳)، مطالعه رابطه بین مدیریت سود و امکان تقلب در صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابرسی، سال ۱۴، شماره ۵۶، صص ۴۷-۶۸.

فرقاندوست حقیقی، کامبیز و برواری، فرید. (۱۳۸۸)، بررسی رابطه روش های تحلیلی در ارزیابی ریسک تحریف صورتهای مالی: تقلب مدیریت، فصلنامه دانش و پژوهش حسابداری، شماره ۱۶، صص ۱۸-۲۳ و ۶۵-۷۰.

قاسمی، یار محمد؛ هاشمی، علی. (۱۳۹۸)، انجام پژوهش به روش تحلیل تماتیک: راهنمای عملی و گام به گام برای یادگیری و آموزش (مورد مطالعه: مصرف موسیقی دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه ایلام)، فرهنگ ایلام، دوره بیستم، شماره ۶۴ و ۶۵، صص ۷-۳۳.

کریمی، غلامرضا؛ جباری، حسن. (۱۳۹۶)، تدوین مدلی برای تعیین پاداش هیات مدیره شرکت های ایرانی، پژوهش های تجربی حسابداری، سال هشتم، شماره ۳، صص ۱۲۷-۱۵۳.

مشایخی، بیتا و حسین پور، امیر حسین. (۱۳۹۵)، بررسی رابطه بین مدیریت سود واقعی و مدیریت سود تعهدی در شرکت‌های مشکوک به تقلب بورس اوراق بهادار تهران، مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۲، شماره ۴۹، صص ۲۹-۵۲.

مرادی، جواد؛ رستمی، راحله؛ زارع، رضا. (۱۳۹۳)، شناسایی عوامل خطر موثر بر احتمال وقوع تقلب د گزارشگری مالی از دید حسابرسان و بررسی تأثیر آن‌ها بر عملکرد مالی شرکت. پیشرفت‌های حسابداری، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۴۱-۱۷۳.

معصومی، جواد؛ نیکو مرام، هاشم؛ طالب نیا، قدرت اله. (۱۳۹۹)، شناسایی و رتبه‌بندی عوامل موثر بر کشف تقلب صورتهای مالی با استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) . دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۹، شماره ۳۵، صص ۱-۲۵.

نیکبخت، محمدرضا و شیخ، محمد جواد. (۱۳۸۳)، بررسی اهمیت شاخص‌های تقلب بالقوه مالی، مطالعات تجربی حسابداری مالی، شماره ۵، صص ۶۱-۹۴.

نمازی، محمد و حسینی نیا، سمیه. (۱۳۹۸)، تحلیل محتوای نظریه‌های تقلب مالی و ارائه فرا الگوی چند بعدی تقلب، دانش حسابداری مالی، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱-۳۶.

هاشمی، سید عباس و حریری، امیر سینا. (۱۳۹۶)، ارزیابی توانایی قانون بنفورد در شناسایی و کشف تقلب مالی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۴، شماره ۲، صص ۲۸۳-۳۰۲.

- Anupam, M., and B. Ganga. 2017. Application of Forensic Tools to Detect Fraud: The case of Toshiba. Journal of forensic and Investigative 9(1): 692-710
- Beneish, M. D. (1999). The Detection of Earnings Manipulation. Financial Analysts Journal, 55(5): 24-36
- Bell, T., and j. Carcello. 2000. A Decision aid for assessing the Likelihood of fraudulent financial reporting. A journal of Practice & Theory, 9(1): 169-178.
- Bani Ahmad. A., (2019). The Moderating role of Internal Control on the relationship between Accounting Information System and Detection of Fraud: The Case of the Jordanian Banks, International Journal of Academic Research in Economics and Management Sciences, 8(1): 27-42
- Braun, v. and v. Clarke. 2006. Using thematic analysis in psychology, Qualitative Research in Psychology 3(2): 77-101.
- Erwin, I., GH. Giyanti, H. Kartini, W. syamsuddin, M. Arifuddin. (2021). Determinants of Financial Statement Fraud: Research Fraud Diamond Theory (Empirical Study on Manufacturing Company listed on the Stock Exchange). Psychology and Education, 58(1), 302 -308.

- Lin, C.-C., A.-A. Chiu, S.Y. Huang, and D.C. Yen. 2015. Detecting the financial statement fraud: The analysis of the differences between data mining techniques and experts' judgments. *Knowledge-Based Systems*. Elsevier B.V. All rights reserved 89: 459-470.
- Liodorova, J., I. Voronova, and R. Seider. 2021. Advanced Forensic Methods to Detect Fraud. Article in *Criminalistics and Forensics*. At [https://doi.org/10.33994/kndise.66\(06\).48-59](https://doi.org/10.33994/kndise.66(06).48-59).
- Olusola Luke, O. 2013. Application of Forensic Accounting: A Tool for Confidence in Auditors' Reports. Department of Accountancy accountancy, School of Business Studies, The Federal Polytechnic, Ado-Ekiti, Ekitistate, Nigeria. *Research Journal of Finance and Accounting* 4(17): 105-110.
- Özcan, A. 2019. Analyzing the Impact of Forensic Accounting on the Detection of Financial Information Manipulation, *Manas journal of Social Studies* 8(2): 1744-1760.
- Ross, B. 2010. What are the Requirements for Fraud? Lawyers.com. Retrieved from <http://research.lawyers.com/blogs/archives/4184-what-are-the-requirements-for-fraud.html>.
- Sabău, A. I., and C. Mare, I. L. Safta. 2021. A Statistical Model of Fraud Risk in Financial statements. Case for Romania Companies. At <https://doi.org/10.3390/risks9060116>.
- Spathis, C. T., (2002). Detecting False Financial Statements Using Published Data: Some Evidence from Greece. *Managerial Auditing Journal*, (17): 179-191.
- Tarjo, D., and N. Herawati. (2015). Application of Beneish M-score Models and Data Mining to Detect Financial Fraud, *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, (211): 924-930.
- Yulistyawati, N.K.A., Suardikha, M.S., Sudana, P. (2019). The analysis of the factor that causes fraudulent financial reporting with fraud diamond. *Journal Akuntansi dan Auditing Indonesia*, 23(1), 1-10.
- Zainudin, E. F., and H. A. Hashim. 2016. Detecting Fraudulent Financial Reporting using financial ratio. *Journal of Financial Reporting and Accounting* 14(2): 266-278.